

Marriage patterns of Iranian ethnic groups during the last two decades: Convergence or continuity of differences?

Milad Bagi

Assistant Professor of Demography, Department of Social Sciences, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran (Corresponding author).

M.bagi@basu.ac.ir

Rasoul Sadeghi

Associate Professor of demography, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

rassadeghi@ut.ac.ir

Abstract

Iran is a multi-ethnic society and one of the top ten countries with the highest ethnic diversity in the world. However, the lack of questions about ethnicity in censuses has led to many limitations in comparative studies among ethnic groups. This study aimed to investigate marriage patterns among different ethnic groups in Iran using National Marriage Survey data (2018). Also, the data from the Socio-Economic Features of the Household survey, which was implemented in 2001, were used to compare the marriage behaviors of ethnic groups in 2018. The findings revealed that marriage patterns are different among ethnic groups. A comparison of results with studies from two decades ago shows that although traditional behaviors have declined among all ethnic groups, ethnic differences persist. Generally, ethnic groups can be classified into three categories. Baluchs and Arabs who have more traditional behaviors. They had a lower average age of marriage. Furthermore, early, consanguineous, arranged and ethnic assortative marriages are more common among them. On the other hand, there are Gilakis, who have modern marriage behaviors compared to other groups, so that they have the highest average age of marriage and the lowest early, consanguineous, and ethnic assortative marriages. The other four ethnic groups are in the middle: Persians, Turks, Kurds and Lors whose behaviors are similar. It seems that socioeconomic inequality and subcultural behaviors of ethnics, are the main determinants of differences.

Keywords: Ethnicity, Consanguineous marriage, Early marriage, Ethnic homogamy, Cultural differences.

الگوهای ازدواج اقوام ایرانی در دو دهه اخیر: همگرایی یا تداوم تفاوت‌ها؟

میلاذ بگی

استادیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. (نویسنده مسئول) M.bagi@basu.ac.ir

رسول صادقی

دانشیار جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. rassadeghi@ut.ac.ir

چکیده

یکی از ویژگی‌های خاص جامعه ایرانی، تنوع قومیتی و وجود الگوهای متفاوت ازدواج در میان اقوام مختلف است. با این حال، عدم دسترسی به اطلاعات معتبر در مورد قومیت سبب شده است تا مطالعات مقایسه‌ای ازدواج در بین اقوام با محدودیت‌هایی روبرو باشد. مطالعه حاضر به روش کمی و با تکنیک تحلیل ثانویه به مقایسه الگوهای ازدواجی در بین اقوام ایرانی می‌پردازد. به این منظور، داده‌های پیمایش ملی ازدواج تجزیه و تحلیل شد. همچنین از داده‌های طرح ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی خانوار (۱۳۸۰) برای مقایسه رفتارهای ازدواجی قومیت‌ها با سال ۱۳۹۷ استفاده شد. نتایج حاکی از وجود تفاوت معناداری در الگوها و رفتارهای ازدواجی اقوام مختلف ایران است. مقایسه نتایج با داده‌های دو دهه پیش نشان می‌دهد اگرچه رفتارهای سنتی در میان همه اقوام کاهش داشته است اما تفاوت‌های قومی همچنان وجود دارد. به‌طور کلی می‌توان گروه‌های قومی را در سه دسته طبقه‌بندی کرد: بلوچ‌ها و عرب‌ها که رفتارهای سنتی در بین آن‌ها بیشتر مشاهده می‌شود. آن‌ها میانگین سن ازدواج پایین‌تری دارند و ازدواج‌های زودهنگام، خویشاوندی، ترتیب‌یافته و همسان‌همسری قومی در بین آن‌ها بیشتر است. در سمت مقابل، گیلک‌ها هستند که رفتارهای مدرن در بین آن‌ها بیش از سایر گروه‌های قومی است به طوری که بالاترین سن ازدواج، کمترین ازدواج‌های زودهنگام، خویشاوندی و همسان‌همسری قومی را دارند. در میانه این دو طبقه، گروه‌های قومی فارس، ترک، گُرد و لُر هستند که رفتارهای آن‌ها به هم نزدیک و تا حد زیادی مشابه است. به نظر می‌رسد نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی و نیز ارزش‌ها و هنجارهای خرده‌فرهنگی، علت اصلی تفاوت‌های قومی ازدواج و تداوم آن در گذر زمان باشد.

کلیدواژه‌ها: قومیت، ازدواج خویشاوندی، ازدواج زودهنگام، همسان‌همسری قومی، تفاوت فرهنگی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۷ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۱، شماره ۴، پیاپی ۴۵، اسفند ۱۴۰۱، صص ۴۳۷-۴۷۲

مقدمه و بیان مسئله

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد کشور ایران، تنوع قومیتی و وجود آداب خرده فرهنگی متفاوت در میان قومیت‌های مختلف است. به طوری که ایران از لحاظ تنوع قومیتی در میان ۱۰ کشور اول جهان قرار گرفته و پنجاه زبان و لهجه و هفت قوم رسمی را در خود جای داده است (صادقی‌زاده ۱۳۹۷: ۸۸)؛ اما علیرغم این واقعیت که ایران یک جامعه چندقومی محسوب می‌شود، موضوع قومیت به علت حساسیت خاص سیاسی، چندان مورد مطالعه قرار نگرفته است (عباسی‌شوازی و صادقی ۱۳۸۵: ۳۱). به طوری که در سرشماری‌های ایران سؤالی در مورد قومیت افراد پرسیده نمی‌شود و لذا آمارهای دقیقی از سهم قومیت‌های مختلف وجود ندارد. باین حال محققان بیان می‌کنند که گروه‌های قومی فارس، تُرک و کُرد به ترتیب بیشترین تعداد جمعیت را به خود اختصاص می‌دهند. این سه گروه قومی رقمی حدود ۸۵ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند. بقیه جمعیت نیز شامل سایر گروه‌های قومی همچون لُر، بلوچ، عرب، گیلک، مازندرانی، ترکمن و ... می‌شود (عباسی‌شوازی و صادقی ۱۳۸۵: ۳۰، مطلبی ۱۳۸۷، سلیر و همکاران ۲۰۰۸).

این تنوع قومیتی، تجارب متفاوتی را در رابطه با رفتارهای مختلف جمعیت شناختی از جمله ازدواج سبب می‌شود. مطالعات مختلف تفاوت‌های قومی در ازدواج و الگوهای آن را مورد تأیید قرار داده است (چیونگ و همکاران ۱۹۸۵، واتیکنز ۱۹۸۶، لسته‌هاک و همکاران ۱۹۸۹، لاندل و تولنای ۱۹۹۳، آرنالدو ۲۰۰۴، ریلی و همکاران ۲۰۱۵، امپیلامبو و همکاران ۲۰۱۷). چنین تفاوت‌هایی می‌تواند هم ناشی از عوامل قومی-فرهنگی و هم متأثر از عوامل اقتصادی-اجتماعی باشد. امروزه با تغییراتی که در شیوه‌ها، نگرش‌ها و سبک زندگی جوامع به وجود آمده است، الگوهای ازدواج نیز تغییر یافته است (عباسی‌شوازی و خانی ۱۳۸۸: ۳۷). باین حال تفاوت‌های قومی در ارزش‌ها و هنجارها سبب شده است تا الگوهای ازدواج از تنوع بالایی برخوردار باشند. برای مثال، در برخی از جوامع غربی بیش از ۷۰ درصد از زوج‌های جدید به جای ازدواج قانونی رابطه همباشی دارند (برناردز ۱۳۹۷: ۴۲) ولی چنین رفتاری در کشورهای در حال توسعه که فرهنگ سنتی هنوز تا حد زیادی تسلط خود را حفظ کرده است، وجود ندارد یا در سطح پایینی قرار دارد. نه تنها تفاوت در بین کشورها

وجود دارد، بلکه در درون کشورها، تفاوت در الگوهای ازدواج بین گروه‌های قومی مختلف وجود دارد. وجود چنین تفاوت‌هایی و پیامدهای آن‌ها برای جامعه کل، اهمیت مطالعه رفتارهای ازدواجی اقوام را دوچندان کرده است.

عدم پرسش از قومیت افراد سبب شده است تا بررسی و انجام مطالعات مقایسه‌ای در ایران با دشواری‌های زیادی روبرو شود. به همین دلیل آمار رسمی و دقیقی از روند تحولات جمعیتی اقوام در دست نیست و به‌رغم مطالعات متعدد در خصوص شناخت و تحلیل رفتارهای قومی باروری در کشورهای چند قومیتی، در ایران مطالعات منسجمی در این زمینه صورت نگرفته است (عباسی‌شوازی و صادقی ۱۳۸۵: ۳۱). نگاهی به ادبیات جمعیت‌شناختی در ایران نیز نشان می‌دهد که بیشتر مطالعاتی که بر مقایسه قومیت‌ها متمرکز شده‌اند، از داده‌های پیمایش‌های مقطعی یا کوچک مقیاس بهره گرفته‌اند. یکی از معدود پیمایش‌هایی که در سطح کشوری انجام شده و در آن قومیت افراد مورد سؤال قرار گرفت، طرح ملی «بررسی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خانوار» در سال ۱۳۸۰ بود که توسط مرکز آمار ایران با همکاری مرکز تحقیقات علمی فرانسه صورت گرفت. این پیمایش منبع مهمی برای انجام مطالعات مقایسه‌ای در حوزه رفتارهای جمعیتی بین قومیت‌های مختلف ایرانی گردید. مطالعات انجام شده بر اساس داده‌های پیمایش مذکور نشان داد که رفتارها و الگوهای ازدواج در بین قومیت‌های مختلف از تفاوت‌های معناداری برخوردار است (کوششی ۱۳۸۳، کاظمی‌پور ۱۳۸۳، عباسی‌شوازی و صادقی ۱۳۸۴، محمودیان ۱۳۸۵، عباسی‌شوازی و ترابی ۱۳۸۵، کردزنگنه ۱۳۹۰).

در این میان، مطالعاتی که به‌طور خاص بر تفاوت‌های قومی در الگوهای ازدواج متمرکز شده‌اند بیان می‌کنند که انتظار می‌رود با گسترش نوسازی و توسعه اقتصادی اجتماعی، تفاوت‌های قومی در الگوهای ازدواج در طول زمان کاهش یابد (عباسی‌شوازی و صادقی ۱۳۸۴: ۲۸). اکنون پس از نزدیک به دو دهه از اجرای طرح ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خانوار، پیمایش ملی ازدواج در سال ۱۳۹۷ توسط سازمان ثبت احوال کشور انجام شده است که در آن قومیت افراد نیز مورد سؤال قرار گرفته است. لذا، این امکان فراهم شده است تا با بررسی تفاوت‌های قومی در الگوهای ازدواج این سؤال مورد بررسی قرار گیرد که تفاوت‌های قومی در الگوهای ازدواج در مقایسه با دو دهه گذشته تا چه میزان دچار تغییر شده است.

۱. اهداف و سؤالات تحقیق

۱-۱. هدف تحقیق

هدف اصلی تحقیق، بررسی الگوهای ازدواج در بین اقوام مختلف ایران و مقایسه آن با الگوهای دو دهه پیش است.

۲-۱. سؤالات تحقیق

مطالعه حاضر به دنبال پاسخ به این سؤالات است که: آیا رفتارهای ازدواجی (سن در اولین ازدواج، ازدواج خویشاوندی، ازدواج زودهنگام، تصمیم‌گیری برای ازدواج و همسان‌همسری) در میان قومیت‌های مختلف متفاوت است؟ نحوه تأثیرگذاری قومیت بر رفتارهای ازدواجی قبل و پس از کنترل مشخصه‌های فردی و والدین آنها چگونه است؟ و اینکه الگوهای ازدواج در مقایسه با دو دهه گذشته چه تفاوت‌هایی داشته است؟

۲. پیشینه تحقیق

مرور ادبیات تجربی مرتبط با ازدواج نشان می‌دهد که تغییرات ازدواج و الگوهای آن همواره مورد توجه محققان اجتماعی بوده است. این امر از کارکردهای مثبتی که ازدواج برای جوامع دارد نشئت می‌گیرد. از آنجاکه جامعه ایران یک جامعه چند قومی و چندفرهنگی است، طبیعتاً رابطه قومیت و شاخص‌های مختلف ازدواج نیز مورد بررسی قرار گرفته شده است. کاظمی پور (۱۳۸۳) در بیان دلایل متفاوت بودن سن ازدواج در میان قومیت‌های مختلف بر این باور است که علاوه بر ویژگی‌های فرهنگی، سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی مناطقی که این اقوام در آنجا زندگی می‌کنند، نیز نقش دارد. برای مثال زنان گیلک و ترکمن با بالاترین و زنان بلوچ و کُرد با پایین‌ترین سن ازدواج به ترتیب در مناطق با سطح توسعه بالا و پایین زندگی می‌کنند. ضرابی و مصطفوی (۱۳۹۰) به نتایج مشابهی رسیدند و بیان می‌کنند که زنان گیلانی، مازندرانی، بلوچ و لُر به ترتیب از بالاترین تا پایین‌ترین سن ازدواج را دارا هستند. همچنین محمودیان (۱۳۸۳) اشاره می‌کند که قومیت رابطه‌ی معناداری با سن ازدواج دارد و زنان بلوچ و عرب پایین‌ترین و گیلک‌ها و ترکمن‌ها بالاترین میانگین سن ازدواج را داشته‌اند. فتحی و همکاران (۱۳۹۶) نشان می‌دهند که میانگین سن ازدواج زنان در فاصله بین سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۰ در بیشتر استان‌ها

کاهش یافته است در حالی که برای مردان در تمامی استان‌ها با افزایش همراه است (به‌استثنای سیستان و بلوچستان که ثابت بوده است). حسینی و همکاران (۱۳۹۸) با بیان اینکه الگوی جغرافیایی و فرهنگی خاصی در تأخیر ازدواج دختران در ایران وجود دارد، بیان می‌کنند دختران در شهرستان‌های غربی کشور، بیشترین و در مناطق شرق و جنوب شرقی کمترین تأخیر در ازدواج را تجربه کرده‌اند. بگی (۱۴۰۱) نیز نشان داد که گیلک‌ها و مازندرانی‌ها بالاترین میانگین سن ازدواج را دارند. وی همچنین بیان می‌کند که مردان بلوچ، گُرد و عرب بیشترین تأخیر در ازدواج را داشتند. محمودیان (۱۳۸۳) نیز با بررسی تفاوت‌های قومی در میانگین سن ازدواج، نقش عوامل فرهنگی-قومی در تأخیر در ازدواج را کلیدی می‌داند. مطالعه طالب و گودرزی (۱۳۸۲) در سیستان و بلوچستان نیز نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین بلوچ‌ها و غیربلوچ‌ها در مورد الگوهای ازدواج وجود دارد. نتایج عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۴) نیز تفاوت در الگوهای ازدواج اقوام را مورد تأیید قرار می‌دهد.

یکی از ویژگی‌های الگوهای ازدواج در ایران، ازدواج خویشاوندی است. نتایج نشان می‌دهد که اگرچه به‌طور میانگین حدود ۳۰-۴۰ درصد ازدواج‌های ایران از نوع خویشاوندی است اما بین مناطق و اقوام مختلف تفاوت‌های معناداری وجود دارد (عباسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۸؛ سعادت و همکاران، ۲۰۰۴؛ عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵، حسینی و بگی، ۱۳۹۵). برای مثال حسینی (۱۳۸۹) در مطالعه خود در ارومیه نشان داد که ازدواج خویشاوندی در بین زنان گُرد بیش از زنان ترک است. کوششی (۱۳۸۳) نیز در بررسی نحوه انتخاب همسر به تفاوت‌های قومی اشاره می‌کند و نشان می‌دهد لُر‌ها بیش از سایر اقوام، همسر خود را به توصیه والدین انتخاب می‌کنند.

عمومیت ازدواج دیگر ویژگی مهم الگوی ازدواج در ایران است و این شاخص همواره در سطح بالایی قرار داشته است. هرچند بین استان‌های مختلف که دارای تنوع قومی نیز هستند، تفاوت‌هایی وجود دارد. مطالعه مهاجرانی (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که بالاترین میزان عمومی ازدواج در استان کردستان (۱۲/۴ در هزار) و کمترین آن در استان سیستان و بلوچستان (۸/۲ در هزار) دیده می‌شود. توده‌فلاح و کاظمی‌پور (۱۳۸۹) نیز به تفاوت در الگوهای جنسی در استان‌ها اشاره می‌کنند. عمومیت ازدواج زنان و مردان در استان‌هایی مثل گیلان، کردستان و خوزستان بسیار به هم نزدیک است ولی در استان‌هایی مثل آذربایجان شرقی، تهران و

سیستان و بلوچستان عمومیت ازدواج زنان در سطح پایین‌تری نسبت به مردان قرار دارد.

تفاوت‌های قومی در شیوع پدیده کودک‌همسری یا ازدواج زودهنگام نیز توسط مطالعات مختلف مورد تأیید قرار گرفته است. عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۴) نشان دادند که بلوچ‌ها و گیلک‌ها به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین درصد ازدواج‌های زیر ۱۵ سال را به خود اختصاص داده‌اند. کردزنگنه (۱۳۹۰) در نتایج مشابهی دریافت که میزان شیوع کودک‌همسری در بین بلوچ‌ها (۶۵/۸ درصد) و گیلک‌ها (۲۸/۴ درصد) به ترتیب بیشترین و کمترین مقادیر را به ثبت رسانده است. عباسی شوازی و خانی (۱۳۸۹) به تفاوت‌های قومی ازدواج زودهنگام در میان زنان شهرستان قروه اشاره می‌کنند. ترماین (۲۰۰۶) نیز با بیان اینکه حدود ۱۶ درصد ازدواج‌ها در ایران از نوع زودهنگام است، نشان می‌دهد که سیستان و بلوچستان با ۳۲ درصد و گیلان با ۰/۵ درصد بالاترین و پایین‌ترین سهم را دارند. مطالعه احمدی (۱۳۹۶) حاکی از آن بود که طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۴ بیشترین ازدواج‌های کودکان به ترتیب در استان‌های خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، هرمزگان و اصفهان اتفاق افتاده است. کوهی (۱۳۹۸) نیز روند این ازدواج‌ها در دوره ۱۳۹۸-۱۳۹۰ را افزایشی دانسته و بیان می‌کند که استان‌های خراسان رضوی و سمنان به ترتیب بالاترین و کمترین آمارهای کودک‌همسری را تجربه کرده‌اند.

رابطه قومیت و ازدواج در سایر نقاط جهان نیز بخش مهمی از ادبیات تجربی را به خود اختصاص داده است. آرنالدو (۲۰۰۴) در مطالعه خود ضمن اشاره به تفاوت‌های قومی در میانگین سن در اولین ازدواج، چندهمسری و طلاق معتقد است که پس از کنترل ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی و جمعیتی زنان، این تفاوت‌ها همچنان باقی می‌ماند. موبولاجی و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی ازدواج‌های زودهنگام در نیجریه پرداختند و نشان دادند که میزان این ازدواج‌ها در اقوام شمالی پنج برابر اقوام جنوبی این کشور است و قومیت و مذهب دو عامل تأثیرگذار بر ازدواج زودهنگام در میان دختران است. ریلی و همکاران (۲۰۱۵) وجود تفاوت‌های قومی و نژادی در الگوهای ازدواج در ایالات متحده را مورد تأیید قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که زنان سیاه‌پوست در سنین بالاتری ازدواج می‌کنند، احتمال ازدواج آن‌ها کمتر است و میزان بی‌ثباتی زناشویی بالاتری دارند.

فورتادو و تئودروپولوس (۲۰۱۵) به اهمیت تحصیلات در ازدواج‌های قومی می‌پردازند و معتقدند احتمال ازدواج غیرقومی در بین افراد تحصیل کرده‌تر بیشتر

است. مک دونالد و اوتومو (۲۰۱۶) به این موضوع اشاره دارند که میزان درون‌همسری در بین گروه‌های قومی بزرگ‌تر بیشتر است. جیان (۲۰۱۷) در چین به این نتیجه رسید که در گذر زمان و با افزایش سطح توسعه، ازدواج‌های بین قومی افزایش یافته است. وی معتقد است که این نوع از ازدواج‌ها به همبستگی بیشتر قومی در کشور منجر خواهد شد. یافته‌های اوتومو (۲۰۲۰) نیز نشان داد که علی‌رغم کاهش در ازدواج‌های ترتیب‌یافته، نفوذ شخص ثالث و ساختارهای اجتماعی گسترده‌تر همچنان بر ترجیحات افراد در مورد انتخاب همسر در میان قومیت‌های مختلف هنوز وجود دارد.

بررسی مطالعات پیشین در زمینه قومیت و ازدواج نشان می‌دهد که تقریباً تمامی مطالعات داخلی و خارجی به‌صورت مقطعی انجام شده است. این امر بررسی رفتارهای اقوام در گذر زمان را غیرممکن می‌سازد. همچنین بیشتر مطالعات انجام‌شده در ایران مربوط به یک دهه پیش است که از نتایج طرح خصوصیات اقتصادی-اجتماعی خانوار در سال ۱۳۸۰ استفاده کرده‌اند. باین‌حال، در سالیان اخیر چند پیمایش ملی انجام شده است که از قومیت افراد نیز سؤال شده داده است. مطالعه حاضر با استفاده از داده‌های دو پیمایش ملی سعی کرده است تا تغییرات در الگوهای ازدواجی اقوام را در گذر زمان مورد بررسی قرار دهد.

۳. ملاحظات نظری

تبیین تفاوت‌های قومی و مذهبی در رفتارهای جمعیت‌شناختی معمولاً بر اساس چهار فرضیه گروه اقلیت، اثرات هنجاری، همانندی مشخصه‌ها و اثرات تعاملی صورت گرفته است. «فرضیه گروه اقلیت^۱» که بر نامی‌های گروه اقلیت به لحاظ قدرت عددی یا تحرک اجتماعی متمرکز است. فرضیه گروه اقلیت دارای دو فرضیه فرعی است. فرضیه اول بیان می‌کند در جایی که فرهنگ پذیری صورت نمی‌گیرد و گروه اقلیت از محدودیت‌های اقتصادی یا سیاسی رنج می‌برد، تفاوت‌های قومی-فرهنگی همچنان باقی خواهد ماند. فرضیه دوم به این صورت است که چنانچه فرآیند فرهنگ پذیری صورت گرفته و تحرک اجتماعی رو به بالا برای گروه اقلیت فراهم باشد، می‌توان انتظار همگرایی در رفتارهای جمعیت‌شناختی را داشت (بوث ۲۰۱۰: ۱۶۱).

«فرضیه اثرات هنجاری^۲» معتقد است هنجارهای فرهنگی و آموزه‌های دینی

1. Minority group hypothesis
2. Norms hypothesis

به واسطه تأثیر بر رفتارهای افراد منجر به تفاوت‌های قومی می‌شوند. این فرضیه بر نقش مستقل و معنی‌دار هنجارهای قومی، فرهنگی و مذهبی بر الگوهای ازدواج تأکید دارد و بر این باور است که هنجارها، آرمان‌ها و اعتقادات قومی عوامل تعیین‌کننده‌ای در الگوهای ازدواج هستند (عباسی‌شواری و صادقی ۱۳۸۴: ۳۰). از دیدگاه این فرضیه، ارزش‌ها و هنجارهای منحصربه‌فرد قومی مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده بیانگر تاریخ و اعتقادات مشترک اعضای گروه‌های قومی بدون توجه به موقعیت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها است (عباسی‌شواری و خانی ۱۳۸۸: ۴۱). «فرضیه همانندی مشخصه‌ها» تفاوت‌های قومی را از نظر ترکیب جمعیت‌شناختی و اجتماعی-اقتصادی تبیین می‌کند (گلدشایر ۱۹۷۱: ۲۷۳). بر اساس این فرضیه، قومیت تأثیری مستقل بر الگوهای ازدواج ندارد و تفاوت‌های قومی بازتاب تفاوت جایگاه گروه‌های قومی در فرآیند توسعه و همانندی مشخصه‌ها است (عباسی‌شواری و صادقی ۱۳۸۴: ۳۱).

«فرضیه تعاملی^۱» به دنبال تبیین تفاوت‌های قومی هم از نظر سطح اقتصادی-اجتماعی و هم هنجارهای فرهنگی یا مذهبی است. این فرضیه نیز معتقد است که تفاوت‌های قومی در رفتارهای ازدواجی در یک‌زمان معین موقتی هستند و بستگی به تعامل سطوح اجتماعی و اقتصادی گروه و هنجارهای فرهنگی حاکم بر سرعت یا میزان پاسخ به سطح اجتماعی-اقتصادی دارد (چیمی ۱۹۸۱: ۹). بر اساس این فرضیه، گروه‌های قومی به شیوه‌ای مشابه به سطوح اجتماعی-اقتصادی پاسخ می‌دهند، البته با سرعت‌های مختلف به گونه‌ای که رفتار آن‌ها سرانجام در دوره پس از گذار (وقتی که تأثیرات هنجاری تحت شرایط جامعه مدرن از بین می‌رود) همگرا می‌شود. این فرضیه معتقد است که رفتارها در دوره قبل از گذار نیز مشابه است (بوث ۲۰۱۰: ۱۶۷).

یکی دیگر از نظریه‌هایی که در تبیین تفاوت‌های قومی به کار می‌رود، نظریه همگرایی خانواده ویلیام گود است. مطابق نظریه همگرایی، مدرنیزاسیون در سطح فردی و اجتماعی، زمان ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در بین مهم‌ترین عوامل مدرنیزاسیون، می‌توان به گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات وسیع در نیروی کار، فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره نمود (آستین افشان ۱۳۸۰). همچنین فرآیند مدرنیزاسیون با تغییر نگرش‌ها و ایده‌های افراد همراه است؛ به طوری که در دنیای مدرن امروزی، افراد به نگرش‌های مدرنی به‌خصوص در زمینه

1. Characteristics hypothesis
2. Interaction hypothesis

انتخاب همسر دست‌یافته‌اند که دایره انتخاب همسر را محدودتر می‌کند؛ بنابراین، با تغییر در نگرش‌های خاص از مدرنیزاسیون، سن شروع زناشویی افراد بالاتر رفته و افراد در سنین بالاتری همسر انتخاب می‌کنند (زارع شاه‌آبادی و همکاران ۱۳۹۵: ۵۸). در این میان، دو فرضیه همانندی مشخصه‌ها و اثرات هنجاری چارچوب نظری این مطالعه را شکل می‌دهند.

۴. روش تحقیق

مطالعه حاضر یک تحلیل ثانویه است که داده‌های پیمایش ملی ازدواج را مورد بررسی قرار می‌دهد. پیمایش مذکور در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ انجام شده است. جمع‌آوری داده‌ها از تمامی مراکز استانی به‌جز شهر تهران صورت گرفته است و پاسخگویان، زوج‌هایی هستند که برای انجام آزمایش‌های قبل از ازدواج، به آزمایشگاه‌ها مراجعه کرده‌اند. به‌طور کلی تعداد ۹۴۸۵ نفر مورد مصاحبه قرار گرفتند. برخی از افراد ازدواج مرتبه دوم و بالاتر خود را تجربه می‌کردند (۱۱۲۲ نفر) و از آنجایی که ممکن است این افراد دارای ویژگی‌های خاصی باشند و همچنین سن در هنگام اولین ازدواج آن‌ها مشخص نیست، تحلیل حاضر تنها بر افرادی متمرکز شده است که برای اولین بار است که ازدواج می‌کنند. همچنین افرادی که ملیت ایرانی نداشتند (۳۳ نفر) و کسانی که مرتبه ازدواج آن‌ها مشخص نبود (۱۰ نفر) از نمونه کنار گذاشته شدند. درنهایت، اطلاعات ۸۳۲۰ نفر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای مقایسه رفتارهای ازدواجی گروه‌های قومی با دو دهه قبل، از داده‌های طرح و ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی خانوار استفاده شده است. این طرح در سال ۱۳۸۰ و توسط مرکز آمار ایران انجام گرفته است. در این طرح نیز تنها افرادی انتخاب شدند که در زمان تحقیق حداقل یک بار ازدواج کرده بودند.

متغیر مستقل تحقیق، قومیت است. افراد در هشت گروه قومی فارس، تُرک، کُرد، لُر، بلوچ، عرب، گیلک و سایر اقوام دسته‌بندی شدند. توزیع نمونه برحسب قومیت تا حدودی با توزیع جمعیتی قومیت‌ها در کل جامعه همخوانی دارد. به این صورت که ۴۷ درصد پاسخگویان را فارس‌ها، ۲۱/۳ درصد را تُرک‌ها و ۱۳ درصد را کُردها شامل شده‌اند. همچنین لُرها با ۶/۶، عرب‌ها با ۶، گیلک‌ها با ۳/۱ و بلوچ‌ها با ۲/۳ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند. بقیه نمونه نیز از سایر اقوام ایرانی تشکیل شده است. متغیر وابسته، رفتارهای ازدواجی افراد است که عبارت‌اند از: سن در هنگام اولین ازدواج، ازدواج زودهنگام، ازدواج خویشاوندی، تصمیم‌گیرنده برای ازدواج

والدین یا خود فرد بدون تأیید والدین) و همسان‌همسری تحصیلی و قومی. با توجه به تفاوت‌هایی که در رفتارهای مورد اشاره در میان دو جنس وجود داشت، تحلیل‌ها به صورت جداگانه برای زنان و مردان اجرا می‌شود.

برای بررسی تفاوت‌ها در رفتارهای ازدواجی در میان قومیت‌های مورد اشاره، بسته به ماهیت و سطح سنجش متغیرها، از آزمون‌های دو متغیره تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون کای‌اسکوئر استفاده شده است. در تحلیل چندمتغیره از تکنیک تحلیل طبقه‌بندی چندگانه^۱ به روش گام‌به‌گام استفاده شد. این روش در واقع نوعی از رگرسیون متغیرهای تصنعی است. تکنیک آماری که اگرچه کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد اما در ارزیابی ارتباط میان متغیرهای مستقل و وابسته بسیار مفید است (عبّاسی شوازی و عسکری ندوشن ۱۳۸۴: ۴۶). این تکنیک که توسط مورگان آندرو و همکاران توسعه پیدا کرد، به بررسی رابطه‌ی بین چند متغیر مستقل مقوله‌ای (و حتی فاصله‌ای) بر یک متغیر وابسته‌ی فاصله‌ای (گاهی نیز متغیر دو وجهی)، به‌منظور تعیین اثرات هر کدام از متغیرهای مستقل قبل و بعد از تعدیل (با توجه به هم‌پوشی متغیرها) می‌پردازد (صادقی ۱۳۸۳). تکنیک تحلیل طبقه‌بندی چندگانه علاوه بر شباهت‌های زیادی که با تحلیل واریانس، رگرسیون چندگانه و تحلیل تشخیص دارد، از امتیازات و برتری‌هایی نیز نسبت به آن‌ها برخوردار می‌باشد. برای مثال، در تحلیل واریانس، بایستی همبسته بودن یا نبودن متغیرهای مستقل را مورد توجه قرار داد، در رگرسیون چندگانه یا تابع تشخیص نیز با محدودیت‌هایی در زمینه‌ی متغیرهای مستقل مواجه می‌شویم؛ اما آزمون تحلیل طبقه‌بندی چندگانه ملزم به هیچ‌کدام از این محدودیت‌ها نمی‌باشد. علاوه بر این، زمانی که متغیر وابسته در مقیاس فاصله‌ای و چوله باشد و یا متغیر دو وجهی با توزیع فراوانی نابرابر باشد، به‌کارگیری این تکنیک مناسب‌تر می‌باشد (بگی ۱۳۹۱: ۵۰، حسینی و بگی ۱۳۹۱: ۱۳۶۲).

به این ترتیب که ابتدا متغیر قومیت به‌عنوان متغیر مستقل وارد شد تا میزان تأثیرگذاری آن بر متغیر وابسته مشخص شود. سپس در هر مرحله متغیرهای کنترل (شامل؛ تحصیلات، وضعیت اشتغال (با دو طبقه شاغل و غیرشاغل)، محل سکونت، تحصیلات والدین، سن والدین) وارد مدل شدند تا مشخص شود که آیا با کنترل این متغیرها، اثر قومیت تعدیل خواهد شد یا خیر.

۵. یافته‌ها

۵-۱. آیا رفتارهای ازدواجی (سن در اولین ازدواج، ازدواج خویشاوندی، ازدواج زودهنگام، تصمیم‌گیری برای ازدواج و همسان‌همسری) در میان قومیت‌های مختلف متفاوت است؟

با توجه به اینکه انتظار می‌رود رفتارهای ازدواجی مردان و زنان متفاوت از هم باشد، در جدول ۱ توزیع رفتارهای ازدواجی پاسخگویان برحسب جنس و قومیت آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد به جز ازدواج زودهنگام که برای مردان تفاوت‌های قومی معناداری وجود نداشته است، سایر رفتارهای ازدواجی هم در میان زنان و هم در میان مردان برحسب قومیت از تفاوت‌های معناداری برخوردار است. در همه قومیت‌ها مردان در مقایسه با زنان در سنین بالاتری ازدواج کرده‌اند. تفاوت‌های قومی نیز نشان می‌دهد که در هر دو جنس، بلوچ‌ها پایین‌ترین میانگین سن در هنگام اولین ازدواج را داشته‌اند (۱۹/۳ سال برای زنان و ۲۳/۴ سال برای مردان). بعد از آن‌ها عرب‌ها قرار دارند. در طرف مقابل، گیلک‌ها بالاترین میانگین سن ازدواج را به ثبت رسانده‌اند (۲۶/۳ سال برای زنان و ۲۸/۲ سال برای مردان).

تفاوت‌های جنسیتی مربوط به ازدواج زودهنگام نیز قابل توجه است. ازدواج زودهنگام در میان مردان برحسب قومیت تفاوت معناداری نداشته است ولی در بین زنان این تفاوت‌ها معنادار بوده است. مهم‌ترین نکته این است که اکثریت مطلق ازدواج‌های زودهنگام در بین زنان رخ داده است. یافته‌های مربوط به مردان نشان می‌دهد که بلوچ‌ها با ۱/۱ درصد بیشترین ازدواج‌های زودهنگام را به ثبت رسانده‌اند در حالی که هیچ‌یک از پاسخگویان گیلک قبل از ۱۸ سالگی ازدواج نکرده‌اند. تجارب زنان در این زمینه متفاوت است. زنان بلوچ با ۳۴/۵ درصد و زنان عرب با ۲۸/۴ درصد بالاترین میزان‌ها را در ازدواج زودهنگام به ثبت رسانده‌اند. زنان تُرک و کُرد به ترتیب در رده‌های بعدی قرار دارند. کمترین ازدواج‌های زودهنگام نیز در میان زنان گیلک به ثبت رسیده است که رقم ۴/۱ درصد می‌باشد (جدول ۱).

ازدواج‌های خویشاوندی یکی از خصیصه‌های اصلی رفتارهای ازدواجی در ایران به شمار می‌آید. در این زمینه نیز تفاوت‌های مهم و معناداری در بین قومیت‌های مختلف مشاهده می‌شود. به طوری که بیشترین ازدواج‌های قوم بلوچ از نوع خویشاوندی بوده است و این رقم برای زنان اندکی بیشتر از مردان است. ۸۳/۳ درصد زنان و ۷۷/۸ درصد مردان بلوچ با خویشاوندان دور یا نزدیک خود ازدواج کرده‌اند. زنان و مردان

عرب در رتبه بعدی قرار دارند و به ترتیب ارقام ۶۰/۴ و ۶۰/۳ را به ثبت رسانده‌اند. پس از این دو گروه، لرها و گُردها هستند که بیشترین ازدواج خویشاوندی را به ثبت رسانده‌اند که بسیار نزدیک به میانگین کشوری است. مردان و زنان گیلکی به ترتیب با ۱۱/۳ و ۱۳/۲ درصد کمترین ازدواج خویشاوندی را تجربه کرده‌اند.

جدول (۱): قومیت و رفتارهای ازدواجی به تفکیک جنس در سال ۱۳۹۷ (n = ۸۳۲۰)

		فارس	تُرک	لُر	کُرد	عرب	بلوچ	گیلکی	سایر	آزمون آماری
زن	سن در هنگام اولین ازدواج	۲۷/۵	۲۸/۰	۲۸/۰	۲۷/۲	۲۵/۹	۲۳/۴	۲۸/۲	۲۸/۴	۱۵/۳ ^{**}
	ازدواج زودهنگام	۰/۳	۰/۳	۰/۰	۰/۴	۰/۸	۱/۱	۰/۰	۰/۰	۵/۴ ^{ns}
	ازدواج خویشاوندی	۲۲/۵	۲۱/۵	۴۲/۲	۳۹/۷	۶۰/۳	۷۷/۸	۱۲/۹	۴۴/۴	۳۱۲/۳ ^{**}
	تصمیم ازدواج توسط والدین	۱۱/۷	۱۲/۲	۱۵/۷	۷/۰	۲۲/۰	۲۴/۱	۱۱/۳	۱۱/۱	
	تصمیم ازدواج توسط فرد بدون تأیید خانواده	۳/۷	۳/۳	۲/۶	۲/۳	۰/۴	۳/۷	۲/۳	۰/۰	۶۴/۵۸ ^{**}
	همسان‌همسری تحصیلی	۵۷/۱	۵۲/۳	۵۹/۵	۵۲/۴	۴۲/۴	۳۶/۷	۵۸/۳	۶۴/۷	۳۵/۴ ^{**}
	همسان‌همسری قومی	۸۳/۸	۷۶/۴	۷۵/۱	۸۶/۱	۹۰/۳	۹۲/۴	۴۹/۲	۴۷/۱	۱۵۵/۰ ^{**}
مرد	سن در هنگام اولین ازدواج	۲۴/۰	۲۳/۳	۲۴/۲	۲۳/۹	۲۱/۴	۱۹/۳	۲۶/۲	۲۲/۷	۱۸/۲۶ ^{**}
	ازدواج زودهنگام	۱۲/۴	۱۸/۸	۱۲/۸	۱۳/۳	۲۸/۴	۳۴/۵	۴/۱	۹/۱	۱۰۲/۹ ^{**}
	ازدواج خویشاوندی	۲۲/۶	۲۳/۴	۳۷/۵	۳۸/۷	۶۰/۴	۸۳/۳	۱۳/۲	۱۳/۸	۳۷۲/۸ ^{**}
	تصمیم ازدواج توسط والدین	۷/۵	۱۰/۷	۲۱/۲	۶/۱	۳۶/۳	۵۸/۳	۴/۱	۲۵/۰	
	تصمیم ازدواج توسط فرد بدون تأیید خانواده	۲/۲	۲/۱	۱/۴	۳/۳	۱/۲	۰/۰	۱/۷	۵/۰	۴۹۹/۴ ^{**}
	همسان‌همسری تحصیلی	۵۷/۵	۵۲/۱	۵۴/۷	۵۱/۲	۴۰/۴	۴۱/۴	۵۵/۹	۵۰/۰	۳۵/۶ ^{**}
	همسان‌همسری قومی	۸۲/۹	۷۸/۲	۷۳/۲	۸۴/۶	۸۸/۶	۸۶/۲	۵۶/۸	۳۶/۴	۱۰۷/۱ ^{**}

** معنی‌دار در سطح خطای کوچک‌تر از ۱ درصد؛ ns غیرمعنادار

آزمون آماری مربوطه، تحلیل واریانس یک‌طرفه بوده است و برای سایر متغیرها آزمون کای اسکور گرفته شد.

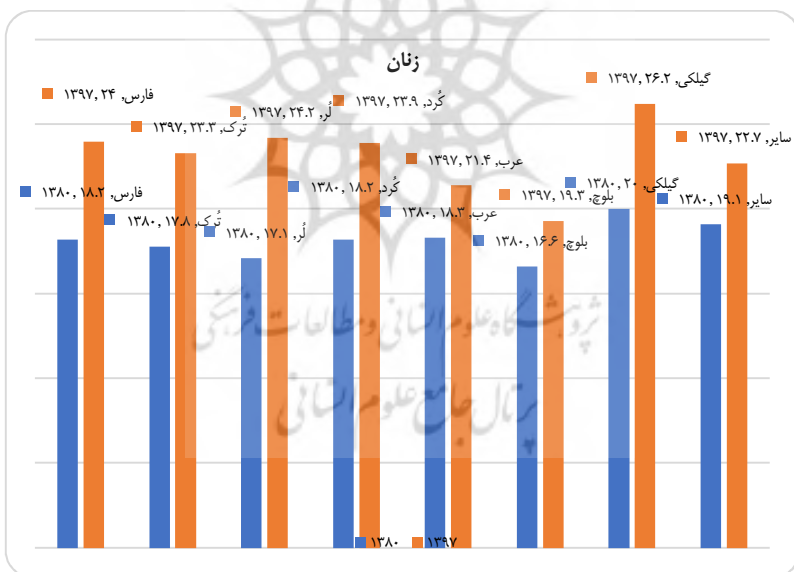
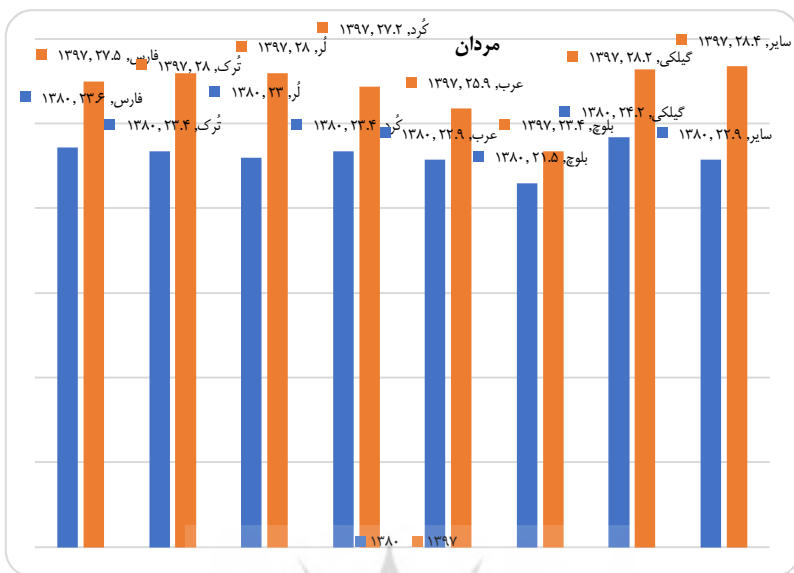
انتظار می‌رود در اجتماعات سنتی‌تر، نقش والدین در تصمیم‌گیری برای ازدواج پررنگ‌تر باشد. نتایج، تفاوت‌های مهمی را هم در بین دو جنس و هم در بین قومیت‌های مختلف نشان می‌دهد. بیشترین تصمیم‌گیری برای ازدواج از سوی والدین مربوط به زنان و مردان بلوچ است. به طوری که بیش از نیمی از ازدواج‌های زنان بلوچ توسط والدین گرفته شده است (۵۸/۳ درصد). این رقم برای مردان بلوچ ۲۴/۱ درصد می‌باشد. عرب‌ها دومین گروه قومی هستند که بیشترین تصمیمات مربوط به ازدواج توسط والدین گرفته شده است. در این گروه قومی، ۳۶/۳ درصد ازدواج زنان و ۲۲ درصد ازدواج‌های مردان توسط والدین آن‌ها گرفته شده است. در این زمینه، تنها ۷

درصد مردان گرد و ۶/۱ درصد زنان گرد بیان کرده بودند که تصمیم ازدواج آن‌ها توسط والدین گرفته شده است. البته کمترین رقم مربوط به تصمیم ازدواج توسط والدین با ۴/۱ درصد به زنان گیلک تعلق دارد. در طرف مقابل، تصمیم برای ازدواج توسط خود فرد با وجود عدم تأیید خانواده بیشتر در میان مردان فارس مشاهده می‌شود. تصمیم ازدواج هیچ کدام از زنان بلوچ بدون تأیید والدین نبوده است. همسران همسری قومی به عنوان الگویی از ازدواج به طرز معناداری در بین گیلکی‌ها کمتر از سایر اقوام است. ۵۶ درصد زنان و کمتر از نیمی از مردان گیلک با افرادی از قوم خود ازدواج کرده‌اند. در سمت مقابل این رقم برای مردان و زنان عرب و بلوچ به ترتیب بیش از ۹۰ و ۸۵ درصد بوده است.

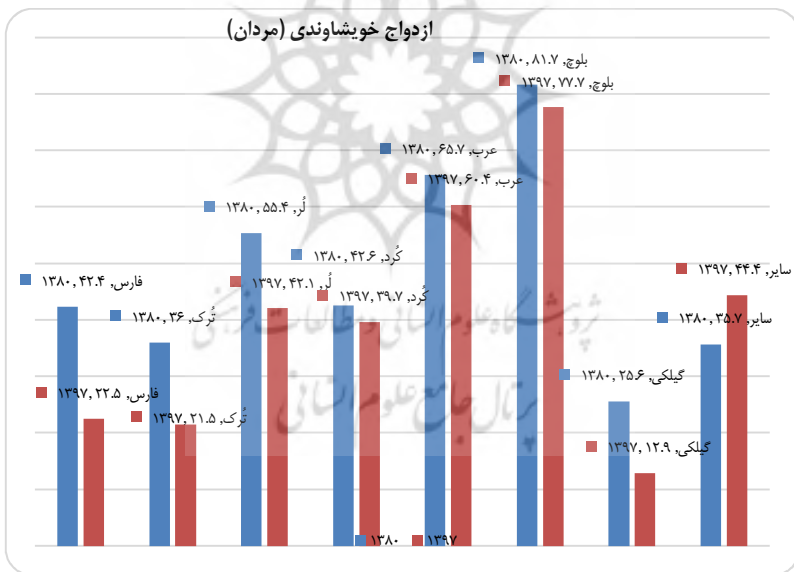
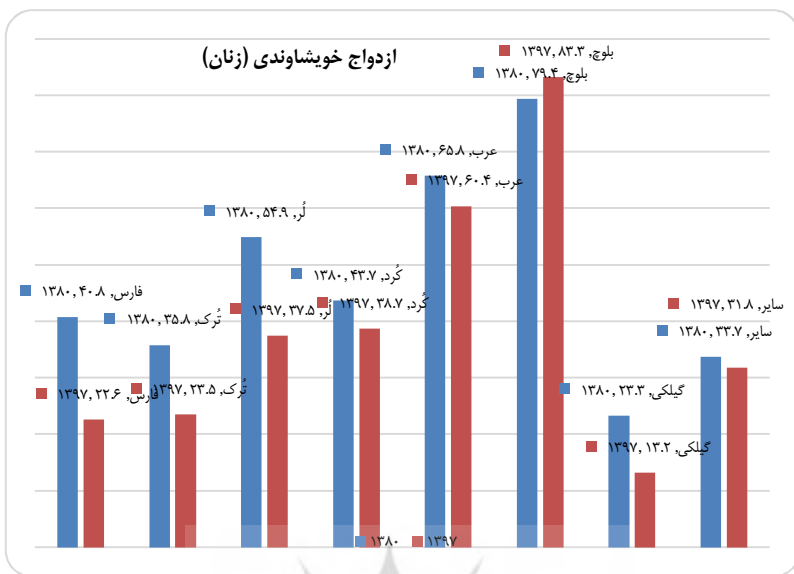
۵-۲. الگوهای ازدواج در مقایسه با دو دهه گذشته چه تفاوت‌هایی

داشته است؟

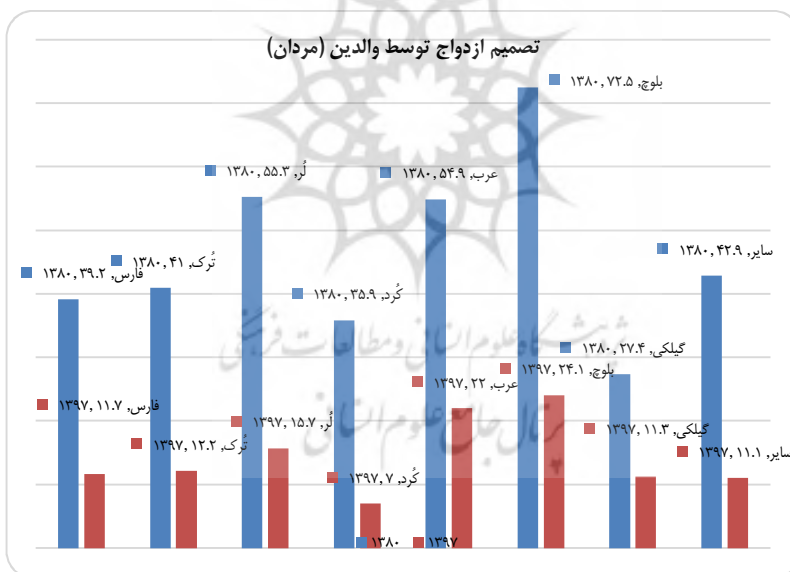
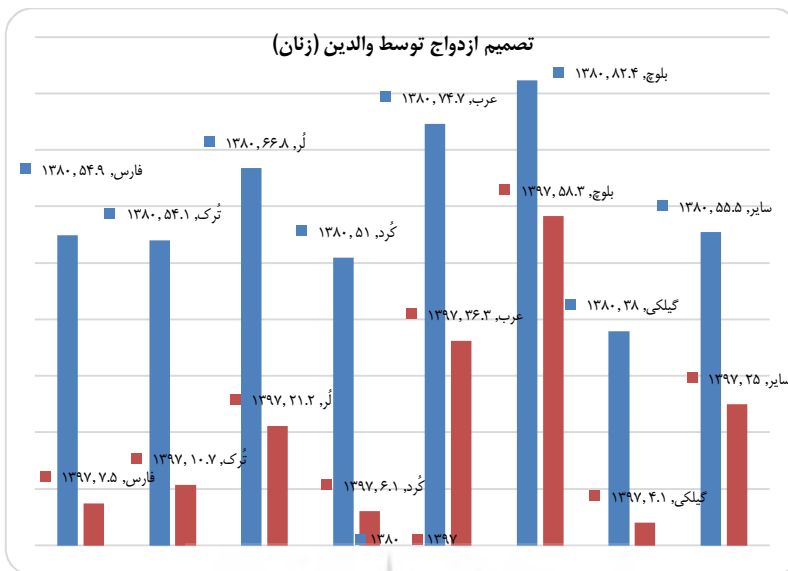
در شکل‌های ۱ تا ۴ رفتارهای ازدواجی قومیت‌های مختلف در دو دوره ۱۳۸۰ و ۱۳۹۷ مقایسه شده است. با توجه به یافته‌های تحقیق در پاسخ به سؤال تحقیق که الگوهای ازدواج در مقایسه با دو دهه گذشته چه تفاوت‌هایی داشته است، می‌توان گفت همان گونه که ملاحظه می‌شود در مقایسه با دو دهه قبل تمامی رفتارهای سنتی کاهش یافته است. باین حال هم نتایج آماری در جدول ۱ و هم اشکال مربوطه نشان می‌دهد که تفاوت‌های قومیتی هنوز وجود دارد.



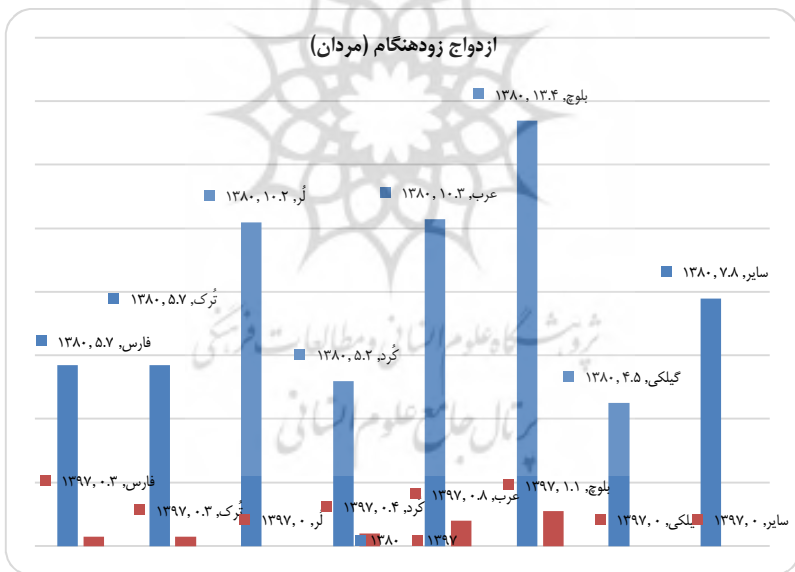
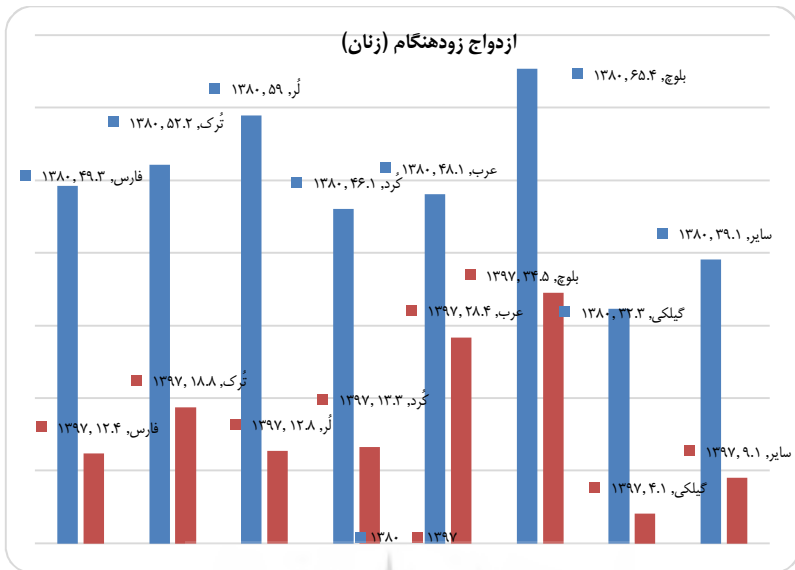
شکل (۱): میانگین سن در هنگام اولین ازدواج برحسب قومیت در سال های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۷



شکل (۲): درصد ازدواج‌های خویشاوندی بر حسب قومیت در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۷



شکل (۳): درصد ازدواج‌های با تصمیم والدین بر حسب قومیت در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۷



شکل (۴): درصد ازدواج زودهنگام بر حسب قومیت در سال های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۷

۳-۵. نحوه تأثیرگذاری قومیت بر رفتارهای ازدواجی قبل و پس از کنترل مشخصه‌های فردی و والدین آن‌ها چگونه است؟

جدول ۲ تأثیر قومیت بر سن در هنگام اولین ازدواج را با کنترل مشخصه‌های فردی و ویژگی‌های والدین نشان می‌دهد. آزمون‌ها به تفکیک جنس ارائه شده‌اند. نتایج مربوط به مردان نشان می‌دهد که قومیت تأثیر معناداری بر سن در هنگام اولین ازدواج داشته است. با این حال مقدار واریانس تبیین شده توسط این متغیر کمتر از ۱ درصد می‌باشد. این امر می‌تواند تحت تأثیر واریانس نسبتاً اندکی باشد که در سن ازدواج مردان قومیت‌های مختلف وجود دارد. در جدول ۱ مشاهده شد که به جز مردان بلوچ که سن ازدواج پایین‌تری داشتند، سن ازدواج در میان بقیه اقوام بسیار به هم نزدیک بود. ورود سایر متغیرها به مدل نه تنها تأثیر قومیت را کاهش نداده است، بلکه ضریب مربوطه افزایش نیز یافته است. در مدل نهایی مشاهده می‌شود که از میان متغیرهای وارد شده به مدل تنها قومیت و محل سکونت هستند که تأثیر معناداری بر سن در هنگام اولین ازدواج داشته‌اند. حضور همه متغیرها در مدل توانسته است حدود ۷ درصد از واریانس متغیر وابسته را برای مردان تبیین کند که در مقایسه با مدل زنان، رقم بسیار اندکی است.

جدول (۲): بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی و والدین بر سن در هنگام اولین ازدواج بر حسب جنس، سال ۱۳۹۷ (n = ۸۳۲۰)

ضرایب Beta								
مردان	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵	مدل ۶	مدل ۷	مدل ۸
قومیت	۰/۰۷۳ ^{**}	۰/۰۶۹ ^{**}	۰/۰۶۹ ^{**}	۰/۰۶۵ ^{**}	۰/۰۸۶ ^{**}	۰/۰۸۶ ^{**}	۰/۰۹۰ ^{**}	۰/۰۹۲ ^{**}
تحصیلات		۰/۰۲۳ ^{ns}	۰/۰۲۳ ^{ns}	۰/۰۲۷ ^{ns}	۰/۰۲۴ ^{ns}	۰/۰۲۳ ^{ns}	۰/۰۰۸ ^{ns}	۰/۰۰۶ ^{ns}
اشتغال			۰/۰۰۶ ^{ns}	۰/۰۰۱ ^{ns}	۰/۰۰۱ ^{ns}	۰/۰۰۴ ^{ns}	۰/۰۰۲ ^{ns}	۰/۰۰۲ ^{ns}
محل سکونت				۰/۰۳۹ [*]	۰/۰۴۹ [*]	۰/۰۵۱ ^{**}	۰/۰۴۷ [*]	۰/۰۴۷ [*]
سن پدر					۰/۲۰۶ ^{**}	۰/۱۳۴ ^{ns}	۰/۱۳۵ ^{ns}	۰/۱۳۷ ^{ns}
سن مادر						۰/۱۴۱ ^{ns}	۰/۱۴۰ ^{ns}	۰/۱۳۹ ^{ns}
تحصیلات پدر							۰/۰۴۹ ^{ns}	۰/۰۲۲ ^{ns}
تحصیلات مادر								۰/۰۵۶ ^{ns}
ضریب تبیین	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۵۵	۰/۰۶۸	۰/۰۶۹	۰/۰۷۱
زنان	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵	مدل ۶	مدل ۷	مدل ۸
قومیت	۰/۱۵۹ ^{**}	۰/۰۸۱ ^{**}	۰/۰۹۴ ^{**}	۰/۰۹۱ ^{**}	۰/۰۶۰ ^{**}	۰/۰۶۰ ^{**}	۰/۰۵۴ ^{**}	۰/۰۴۹ ^{**}
تحصیلات		۰/۴۸۸ ^{**}	۰/۳۹۱ ^{**}	۰/۲۹۴ ^{**}	۰/۲۷۸ ^{**}	۰/۲۷۳ ^{**}	۰/۲۸۶ ^{**}	۰/۲۹۱ ^{**}
اشتغال			۰/۲۴۹ ^{**}	۰/۲۵۰ ^{**}	۰/۱۶۵ ^{**}	۰/۱۵۳ ^{**}	۰/۱۵۷ ^{**}	۰/۱۵۷ ^{**}

ضرایب Beta								
محل سکونت				۰/۰۲۰ ^{ns}	۰/۰۰۴ ^{ns}	۰/۰۰۱ ^{ns}	۰/۰۰۳ ^{ns}	۰/۰۰۵ ^{ns}
سن پدر					۰/۵۱۶ ^{**}	۰/۲۴۶ ^{**}	۰/۲۴۲ ^{**}	۰/۲۴۲ ^{ns}
سن مادر						۰/۳۳۹ ^{**}	۰/۳۳۳ ^{**}	۰/۳۲۶ ^{**}
تحصیلات پدر							۰/۰۴۱ [*]	۰/۰۲۸ ^{ns}
تحصیلات مادر								۰/۰۴۳ [*]
ضریب تبیین	۰/۰۲۵	۰/۲۴۳	۰/۲۹۴	۰/۲۹۲	۰/۵۷۲	۰/۶۱۰	۰/۶۱۰	۰/۶۱۱

*معنی‌دار در سطح خطای کوچک‌تر از ۵ درصد؛ ns غیر معنادار

**معنی‌دار در سطح خطای کوچک‌تر از ۱ درصد؛

نتایج مربوط به زنان، تفاوت‌های آشکاری با مدل‌های مردان دارد. نتایج نشان می‌دهد که تأثیر قومیت بر سن در هنگام اولین ازدواج به لحاظ آماری در سطح خطای کوچک‌تر از ۱ درصد معنادار شده است. ضریب بتای به‌دست‌آمده بسیار بیشتر از مقدار متناظر برای مردان است. همچنین قومیت به‌تنهایی توانسته است تا ۲/۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند. کنترل سایر مشخصه‌های فردی (مدل ۴) توانسته است تأثیر قومیت را کاهش دهد. از طرفی با حضور این متغیرها مقدار واریانس تبیین‌شده به ۲۹/۲ درصد افزایش یافته است. در بین مشخصه‌های فردی تحصیلات نقش مهم‌تری داشته است؛ اما محل سکونت زنان تأثیر معناداری بر سن ازدواج آن‌ها ندارد. کنترل ویژگی‌های والدین سبب شده است تا تأثیر متغیر قومیت کاهش بیشتری را تجربه کند به‌طوری‌که از ۰/۱۵۹ در مدل اول به ۰/۰۴۹ در مدل پایانی برسد (۷۰ درصد کاهش). نکته مهم‌تر اینکه ویژگی‌های والدین تأثیر بسیار مهمی بر مقدار واریانس تبیین‌شده داشته است به‌طوری‌که مقدار آن که در مدل ۴ برابر با ۲۹/۲ درصد بود به بیش از ۶۱ درصد رسید. این امر تأثیرگذاری بیشتر والدین بر تصمیمات زنان در رابطه با سن ازدواج را در مقایسه با مردان نشان می‌دهد.

در جدول ۳ تأثیر قومیت با کنترل مشخصه‌های فردی و ویژگی‌های والدین بر ازدواج خویشاوندی برحسب جنس ارائه شده است. تأثیر قومیت بر وقوع ازدواج خویشاوندی هم در بین مردان و هم در بین زنان معنادار شده است. ضرایب بتای به دست آمده تا حدودی به هم نزدیک است. باین‌حال مقدار واریانس تبیین‌شده توسط قومیت برای زنان ۹/۵ درصد و برای مردان ۷/۶ درصد بوده است. تا مدل ۴ که مشخصه‌های فردی به‌طور کامل وارد مدل شده‌اند، تأثیر قومیت رو به کاهش گذاشته است. تفاوت مهم در این زمینه این است که در نتایج مربوط به زنان، تحصیلات تأثیر معناداری بر وقوع ازدواج خویشاوندی ندارد درحالی‌که برای مردان

تأثیر همه متغیرها به لحاظ آماری معنادار شده است. حضور متغیرهای فردی سبب شده است تا واریانس تبیین شده برای مردان به ۱۱/۷ درصد افزایش یابد. این رقم برای زنان به ۱۶/۷ درصد رسیده است که نشان دهنده تأثیرگذاری بیشتر ویژگی‌های فردی در مقایسه با مردان است. در ادامه ویژگی‌های والدین وارد مدل شدند. نتایج حاکی از آن است که در هر دو مدل تأثیر قومیت رو به کاهش گذاشته است. در میان ویژگی‌های والدین تنها متغیر تحصیلات مادر تأثیر معناداری بر وقوع ازدواج خویشاوندی داشته است. این نتیجه در مورد هر دو جنس صدق می‌کند. با این حال در مدل نهایی برای مردان تنها قومیت و سن تأثیر معناداری بر متغیر وابسته دارند در حالی که برای زنان قومیت در کنار سن و اشتغال تأثیر معنادار خود را حفظ کرده است. همچنین ورود همه متغیرها به مدل سبب شده است تا واریانس تبیین شده برای مردان به ۱۵/۹ درصد و برای زنان به ۱۸/۴ درصد افزایش یابد. اگرچه تفاوت‌هایی در بین نتایج مربوط به زنان و مردان مشاهده شد، اما در مقایسه با مدل‌های مربوط به سن ازدواج، این تفاوت‌ها چندان زیاد نیست.

جدول (۳): بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی و والدین بر ازدواج خویشاوندی

بر حسب جنس، سال ۱۳۹۷ (n = ۸۳۲۰)

ضرایب Beta									
	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵	مدل ۶	مدل ۷	مدل ۸	مدل ۹
مردان									
قومیت	۰/۲۷۶**	۰/۲۵۹**	۰/۲۳۹**	۰/۲۳۲**	۰/۲۲۹**	۰/۲۲۹**	۰/۲۳۴**	۰/۲۲۵**	۰/۲۱۲**
سن		۰/۱۸۷**	۰/۱۷۶**	۰/۱۷۹**	۰/۱۷۷**	۰/۱۳۸*	۰/۱۳۱**	۰/۱۳۴**	۰/۱۳۴*
تحصیلات			۰/۰۸۶**	۰/۰۸۲**	۰/۰۷۵**	۰/۰۶۹**	۰/۰۷۱*	۰/۰۴۵*	۰/۰۳۹**
اشتغال				۰/۰۵۵*	۰/۰۵۳*	۰/۰۵۵*	۰/۰۶۰*	۰/۰۵۳**	۰/۰۵۱**
محل سکونت					۰/۰۳۷*	۰/۰۴۳*	۰/۰۴۱*	۰/۰۲۲**	۰/۰۲۵**
سن پدر						۰/۱۳۴*	۰/۱۳۱**	۰/۱۳۶**	۰/۱۳۶**
سن مادر							۰/۱۱۷**	۰/۱۲۳**	۰/۱۲۱**
تحصیلات پدر								۰/۰۷۴**	۰/۰۱۹**
تحصیلات مادر									۰/۰۰۹**
ضریب تبیین	۰/۰۷۶	۰/۱۱۱	۰/۱۱۵	۰/۱۱۶	۰/۱۱۷	۰/۱۳۲	۰/۱۴۸	۰/۱۵۳	۰/۱۵۹
زنان									
قومیت	۰/۳۰۸**	۰/۲۷۶**	۰/۲۵۸**	۰/۲۵۲**	۰/۲۵۱**	۰/۲۲۲**	۰/۲۳۷**	۰/۲۴۲**	۰/۲۲۸**
سن		۰/۲۶۲**	۰/۲۳۳**	۰/۲۲۲**	۰/۲۲۴**	۰/۲۱۳**	۰/۲۱۷**	۰/۲۱۹**	۰/۲۲۱**
تحصیلات			۰/۰۶۵**	۰/۰۴۲**	۰/۰۳۹**	۰/۰۵۶*	۰/۰۵۷*	۰/۰۵۰**	۰/۰۳۶**
اشتغال				۰/۰۷۶**	۰/۰۷۵**	۰/۰۷۴**	۰/۰۷۷**	۰/۰۷۴**	۰/۰۷۳**
محل سکونت					۰/۰۱۵**	۰/۰۲۳**	۰/۰۱۵**	۰/۰۱۳**	۰/۰۰۳**
سن پدر						۰/۱۱۷**	۰/۱۲۴**	۰/۱۳۰**	۰/۱۳۳**
سن مادر							۰/۱۲۲**	۰/۱۲۸**	۰/۱۳۰**
تحصیلات پدر								۰/۰۳۴**	۰/۰۰۶**

ضرایب Beta									
تحصیلات مادر									۰/۱۰۸**
ضریب تبیین	۰/۰۹۵	۰/۱۶۱	۰/۱۶۲	۰/۱۶۷	۰/۱۶۷	۰/۱۶۶	۰/۱۷۴	۰/۱۸۰	۰/۱۸۴

*معنی‌دار در سطح خطای کوچک‌تر از ۵ درصد؛ ns غیر معنادار

**معنی‌دار در سطح خطای کوچک‌تر از ۱ درصد؛

متغیر وابسته در جدول ۴ احتمال وقوع ازدواج زودهنگام است. همانند متغیرهای پیشین، آزمون‌ها به تفکیک جنس اجرا شدند. نتایج نشان از تفاوت‌های آشکاری در بین زنان و مردان دارد. ازدواج زودهنگام در میان مردان برحسب متغیر قومیت تفاوت معناداری نداشت و نتوانسته است هیچ مقداری از واریانس متغیر وابسته را تبیین کند. این امر در جدول ۱ نیز مشاهده شد. ازدواج زودهنگام در بین مردان تقریباً نادر بوده و مردان بلوچ با ۱/۱ درصد بالاترین درصد ازدواج زودهنگام را تجربه کرده بودند و برای برخی از قومیت‌ها این رقم حتی برابر با صفر بود. برای اطمینان بیشتر ما سایر مدل‌ها را برای مردان اجرا کردیم ولی از آن‌جا که هیچ کدام از متغیرها تأثیر معناداری بر وقوع ازدواج زودهنگام نداشتند، نتایج در اینجا آورده نشده است.

جدول (۴): بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی و والدین بر ازدواج زودهنگام بر حسب

جنس، سال ۱۳۹۷ (n = ۸۳۲۰)

Beta								
مردان	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵	مدل ۶	مدل ۷	مدل ۸
قومیت	۰/۰۲۳**							
ضریب تبیین	۰/۰۰۰							
زنان	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵	مدل ۶	مدل ۷	مدل ۸
قومیت	۰/۱۶۰**	۰/۱۱۷**	۰/۰۷۹**	۰/۰۸۱**	۰/۰۶۷**	۰/۰۶۹**	۰/۰۶۷**	۰/۰۶۱**
تحصیلات		۰/۶۲۸**	۰/۵۹۱**	۰/۵۸۵**	۰/۴۹۵**	۰/۴۸۷**	۰/۴۸۹**	۰/۴۹۷**
اشتغال			۰/۲۱۲**	۰/۲۱۳**	۰/۱۵۸**	۰/۱۴۸**	۰/۱۴۴**	۰/۱۳۹**
محل سکونت				۰/۰۱۷**	۰/۰۲۳*	۰/۰۲۶*	۰/۰۲۹*	۰/۰۳۰*
سن پدر					۰/۲۷۶**	۰/۱۵۵**	۰/۱۴۷**	۰/۱۴۵**
سن مادر						۰/۱۹۱**	۰/۱۸۹**	۰/۱۸۲**
تحصیلات پدر							۰/۰۵۷**	۰/۰۴۱*
تحصیلات مادر								۰/۰۵۵**
ضریب تبیین	۰/۰۲۵	۰/۳۷۵	۰/۴۱۸	۰/۴۱۶	۰/۵۰۰	۰/۵۱۸	۰/۵۱۹	۰/۵۲۰

*معنی‌دار در سطح خطای کوچک‌تر از ۵ درصد؛ ns غیر معنادار

**معنی‌دار در سطح خطای کوچک‌تر از ۱ درصد؛

برای زنان همان‌گونه که در جدول ۴ نیز آورده شده است، ازدواج زود هنگام بر حسب قومیت از تفاوت معناداری برخوردار شده است. هرچند این متغیر تنها توانسته است تا ۲/۵ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کند. ورود متغیر تحصیلات در مدل دوم سبب شده است تا میزان واریانس تبیین‌شده افزایش چشمگیری داشته باشد و به ۳۷/۵ درصد برسد که نشان از اهمیت بالای این متغیر دارد. همچنین تحصیلات سبب شده است تا ضریب بتای قومیت در مقایسه با مدل اول کاهش یابد. سایر مشخصه‌های فردی (در مدل ۴) نیز با ورود به مدل سبب شده اند تا تأثیر قومیت همچنان کاهش داشته باشد و در طرف مقابل، واریانس تبیین‌شده به ۴۱/۶ درصد برسد. باین حال متغیر محل سکونت تأثیر معناداری بر احتمال وقوع ازدواج خویشاوندی نداشته است. برخلاف متغیرهای وابسته قبلی (سن ازدواج و ازدواج خویشاوندی) تمامی متغیرهای مربوط به ویژگی‌های والدین تأثیر معناداری بر ازدواج زود هنگام دارند. ورود این متغیرها میزان واریانس تبیین‌شده را به ۵۲ درصد افزایش داده است. ضرایب بتای مدل آخر نیز نشان می‌دهد که اگرچه تأثیر قومیت تا حد بسیار زیادی کاهش یافته است، باین حال تأثیر آن همچنان معنادار است. از بین متغیرهایی که در مدل حضور دارند، تحصیلات افراد بیشترین تأثیر را بر وقوع ازدواج خویشاوندی دارد و پس از آن سن پدر و مادر قرار دارد.

نتیجه‌گیری

تفاوت‌های فرهنگی اقوام در ایران سبب شده است تا محققان علاقه‌مند به بررسی تفاوت در رفتارهای جمعیتی آن‌ها باشند. باین حال عدم وجود داده‌های ملی در مورد اقوام مطالعه این امر را با دشواری‌های مواجه ساخته است. مطالعه حاضر با استفاده از داده‌های پیمایش ملی ازدواج (۱۳۹۷) به بررسی رفتارها و الگوهای ازدواجی در میان اقوام مختلف ایران پرداخت. بررسی الگوهای قومی ازدواج نه تنها بینش‌هایی را در مورد روابط قومی، فاصله قومی و طبقه‌بندی اجتماعی در کشور ارائه می‌دهد، بلکه تفاوت‌های قابل‌توجهی را در رفتارهای ازدواج در گروه‌های مختلف نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت‌های قومی در رفتارهای ازدواجی همچنان وجود دارد.

در رابطه با سن ازدواج، زنان و مردان بلوچ پایین‌ترین و زنان و مردان گیلک بالاترین سن ازدواج را داشتند. کاظمی پور (۱۳۸۳) به نتایج مشابهی دست یافته بود. به این صورت که سن ازدواج زنان و مردان بلوچ به ترتیب ۲۰/۸ و ۲۳/۹ و برای زنان

و مردان گیلک برابر به ترتیب برابر با ۲۴/۹ و ۲۵/۹ بود. عباسی‌شوازی و صادقی (۱۳۸۵) نیز نشان دادند که پایین‌ترین و بالاترین میانگین سن در هنگام اولین ازدواج به ترتیب برای زنان بلوچ با ۱۶/۲ و گیلک‌ها با ۲۰/۱ سال بود. با این حال تفاوت‌های مهمی در مطالعه حاضر و دو مطالعه یادشده وجود دارد. در مطالعه حاضر سن افراد در هنگام اولین ازدواج هم برای زنان و هم مردان در هر دو گروه قومی رقم‌های بالاتری است. با این حال تفاوت‌های قومی هنوز وجود دارد. همچنین در هر دو مطالعه مذکور، لرها دومین گروه قومی به لحاظ پایین‌ترین میانگین سن ازدواج بودند. حال آنکه در مطالعه حاضر عرب‌ها دومین رتبه را به لحاظ پایین‌ترین میانگین سن ازدواج داشتند و لرها جزو چهار گروه با بالاترین سن ازدواج هستند. به‌طور کلی، مقایسه نتایج به‌دست‌آمده با یافته‌های دو دهه قبل نشان می‌دهد که افراد در همه اقوام در سنین بالاتری ازدواج کرده‌اند؛ اما نکته مهم‌تر این است که تفاوت‌های قومی همچنان برقرار است. برای مثال تفاوت بین بالاترین و پایین‌ترین میانگین سن ازدواج زنان در سال ۱۳۸۰ حدود ۴ سال بوده است (بر اساس دو مطالعه یادشده) و در مطالعه حاضر این تفاوت حدود ۷ سال است.

مطالعات پیشین نشان داده‌اند که ازدواج خویشاوندی یکی از ویژگی‌های اصلی ازدواج است و به‌طور کلی رقمی در حدود ۳۰-۴۰ درصد ازدواج‌ها در ایران از نوع خویشاوندی است هرچند تفاوت‌هایی بین مناطق و اقوام مختلف وجود دارد (گیونز و هیرشمن ۱۹۹۴، سعادت و همکاران ۲۰۰۳، عباسی‌شوازی و همکاران ۲۰۰۸، عباسی‌شوازی و ترابی ۱۳۸۶، حسینی و بگی ۱۳۹۵). در مطالعه حاضر نیز ازدواج خویشاوندی در میان گروه‌های قومی از تفاوت معناداری برخوردار بود. در مطالعه عباسی‌شوازی و صادقی (۱۳۸۵) که تنها بر زنان متمرکز بود، بلوچ‌ها با ۸۰ درصد بالاترین میزان ازدواج خویشاوندی را داشتند. در مطالعه حاضر نیز حدود ۸۳ درصد زنان بلوچ با همسران خود نسبت خویشاوندی داشتند. تفاوت مهم به زنان لُر برمی‌گردد که در مطالعه ما ۳۷ درصد ازدواج خویشاوندی داشتند در حالی که در مطالعه عباسی‌شوازی و صادقی (۱۳۸۵) ۵۷ درصد بود. به‌طور کلی در مقایسه نتایج دو مطالعه می‌توان دریافت که به‌جز بلوچ‌ها، سایر اقوام در مقایسه با پیمایش سال ۱۳۸۰ ازدواج‌های خویشاوندی کمتری را تجربه کرده‌اند.

تصمیم‌گیری برای ازدواج توسط والدین نیز در بین قومیت‌ها دارای تفاوت بود. این تفاوت در مطالعات کوششی (۱۳۸۳) عباسی‌شوازی و صادقی (۱۳۸۵) نیز دیده می‌شود هرچند آن‌ها ارقام بالاتری را برای قومیت‌ها گزارش کرده‌اند. دیگر رفتار

ازدواجی مهم، ازدواج زودهنگام است که تفاوت‌های آشکاری نیز در بین قومیت‌ها وجود دارد. بایستی یادآوری کرد که این ازدواج‌ها در میان مردان بسیار اندک است. بااین حال در میان زنان، بلوچ‌ها و عرب‌ها بالاترین میزان‌ها را به خود اختصاص داده بودند. کردزنگنه (۱۳۹۰) نیز به این تفاوت‌های قومی در ازدواج زودهنگام اشاره کرده بود. به علاوه، می‌توان دریافت که همسان‌همسری قومی در بیشتر گروه‌های قومی همچنان یک هنجار به شمار می‌رود. این رفتار در میان بلوچ‌ها بیشتر دیده می‌شود. از طرفی زنان فارس بالاترین همسان‌همسری تحصیلی را داشتند. مطالعات دیگری در ایران به رواج و تمایل به همسان‌همسری در ابعاد مختلف آن اشاره داشته‌اند (شفیعی و همکاران ۱۳۹۴: ۱۰۹، شکوری و شفییعی ۱۳۹۵: ۱۲۳، نوری و یاراحمدی ۱۳۹۷: ۱۳۶، عسکری ندوشن و ترابی ۱۳۹۸: ۱۹).

به‌طور کلی می‌توان گروه‌های قومی را در سه دسته طبقه‌بندی کرد. بلوچ‌ها و عرب‌ها که رفتارهای سنتی در بین آن‌ها بیشتر مشاهده می‌شود. برای مثال آن‌ها میانگین سن ازدواج پایین‌تری داشتند، ازدواج‌های زودهنگام، ازدواج خویشاوندی، ازدواج‌های ترتیب یافته و نیز همسان‌همسری قومی در بین آن‌ها بیشتر مشاهده می‌شود. در سمت مقابل، گیلک‌ها قرار دارند که رفتارهای مدرن ازدواج در بین آن‌ها بیش از سایر گروه‌های قومی است، به‌طوری‌که بالاترین سن ازدواج، کمترین ازدواج‌های زودهنگام، خویشاوندی و همسان‌همسری قومی را دارند. در میانه این دو طبقه، چهار گروه قومی فارس، ترک، کُرد و لُر قرار دارند که رفتارهای ازدواجی آن‌ها به هم نزدیک و تا حد زیادی مشابه است. در مقایسه با نتایج مطالعاتی که با استفاده از طرح ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی خانوار در سال ۱۳۸۰ انجام شده بود، می‌توان دریافت که رفتارهای ازدواجی لُر‌ها با سه گروه قومی فارس، ترک و کُرد همگرا شده است ولی بلوچ‌ها همچنان تفاوت‌هایشان با سایر اقوام را حفظ کرده‌اند.

نتایج تحلیل‌های چند متغیره در مورد رفتارهای ازدواجی نشان داد که به‌جز ازدواج زودهنگام در بین مردان، در سایر رفتارها قومیت تأثیر معناداری داشته است و بعد از کنترل سایر متغیرها اگرچه تأثیر آن رو به کاهش گذاشته است، اما این تأثیر همچنان معنادار است. این نتایج نشان می‌دهد که قومیت و هنجارهای مربوط به آن همچنان از عوامل مهم و تأثیرگذار در رفتارهای جمعیتی همچون ازدواج است. مطالعات در کشورهای درحال توسعه نیز نشان داده است که تفاوت‌های قومی یا مذهبی پس از کنترل عوامل اجتماعی و اقتصادی همچنان از اهمیت برخوردارند (چیونگ و همکاران ۱۹۸۵، کندول ۱۹۹۹، آرنالدو ۲۰۰۴، بوث ۲۰۱۰). این رفتارها

و تفاوت‌های آن‌ها بین اقوام مختلف را می‌توان تا حدودی با نظریه‌های مورد اشاره تبیین کرد. بر اساس نظریه مدرنیزاسیون عواملی همچون گسترش آموزش، اشتغال و شهرنشینی می‌تواند تفاوت‌های قومی را کمرنگ سازد. در ادبیات تحقیق این فرضیه مطرح می‌شود که رفتارهای سنتی از نظر نژادی، مذهبی و قومی همراه با مدرن شدن و فرآیندهای مرتبط با آن کاهش می‌یابد (بوث ۲۰۱۰: ۱۶۳). این فرایندها شامل شهرنشینی، تحرک اجتماعی بیشتر و کنترل کمتر والدین بر فرزندان می‌شود که در رابطه با ازدواج به صورت تغییر از ازدواج‌های ترتیب‌یافته به ازدواج عاشقانه و حرکت به سمت زندگی نومیکنی همراه است. همگام با توسعه، افزایش دسترسی به آموزش و افزایش مدت تحصیل رسمی چنین رفتارهایی را افزایش می‌دهد (اسمیت هنفر ۲۰۰۵، اتومو و همکاران ۲۰۱۳، اتومو و مک‌دونالد ۲۰۱۶). مدارس و دانشگاه‌ها سبب طولانی شدن گذار به بزرگ‌سالی (بگی و عباسی‌شوازی ۱۴۰۰، عباسی‌شوازی و بگی ۱۳۹۹) و اختلاط جوانان از گروه‌های مختلف قومی و اجتماعی می‌شود (گوبل ۲۰۱۰، ۲۰۱۵) که به نوبه خود تغییر در رفتارهای سنتی ازدواج همچون همسان‌همسری قومی را در پی خواهد داشت. نتایج مطالعه حاضر نیز نشان داد که ورود متغیرهای تحصیلات، اشتغال و محل سکونت تا حدی تأثیر قومیت را کاهش می‌دهد اما اثر آن به‌طور کامل از بین نمی‌برد. از بین متغیرهای مذکور، تحصیلات بیشترین نقش را در کاهش تأثیر قومیت بر رفتارهای ازدواجی داشت که نشان از اهمیت بالای این متغیر دارد.

در تبیین رفتارهای سنتی‌تر در میان بلوچ‌ها و عرب‌ها می‌توان به فرضیه گروه اقلیت اشاره کرد. بر اساس این فرضیه چنانچه گروه‌های اقلیت قومی نتوانند تحرک اجتماعی رو به بالا داشته باشند یا اینکه فرهنگ‌پذیری پایینی داشته باشند، رفتارهایشان با جامعه بزرگ‌تر همگرا نخواهد شد. نتایج مطالعات پیشین در این زمینه نشان می‌دهد که عرب‌ها و بلوچ‌ها جزو اقوامی هستند که احساس نابرابری بالایی دارند (بهشتی و حق‌مرادی ۱۳۹۶: ۳۸). بر این اساس می‌توان انتظار داشت که این دو گروه قومی رفتارهای متفاوتی با گروه‌های اکثریت داشته باشند. مثال نقض در رابطه با این فرضیه، گُردها هستند. مطالعات نشان می‌دهد که احساس نابرابری در مشارکت سیاسی و نیز عدم توسعه اقتصادی اجتماعی در مناطق کردنشین در سطح بالایی قرار دارد (بهشتی و حق‌مرادی ۱۳۹۶، هزارجریبی و مروتی ۱۳۸۹: ۹۲، صادقی و همکاران ۱۳۸۶). با این حال رفتارهای ازدواجی این گروه در بیشتر موارد مشابه دو گروه قومی بزرگ دیگر ایران (فارس‌ها و تُرک‌ها) است.

از طرفی، فرضیه همانندی مشخصه‌ها بیان می‌کند که تفاوت‌های قومی در رفتارهای جمعیتی ناشی از تفاوت‌های اقتصادی-اجتماعی آن‌ها است و چنانچه این متغیرها کنترل شود، تفاوت‌های قومی از بین خواهد رفت. باقی ماندن تأثیر معنادار قومیت بر رفتارهای ازدواجی تا حد زیادی درستی این نظریه در تبیین تفاوت‌های قومی را زیر سؤال می‌برد. پیش‌تر عباسی‌شوازی و صادقی (۱۳۸۵) نیز چنین ادعایی را مطرح کرده‌اند. باین‌حال در مورد چنین نتیجه‌گیری بایستی احتیاط کرد زیرا ما در تحقیق حاضر نتوانسته‌ایم ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی در سطح کلان را کنترل کنیم و این ویژگی‌ها تنها در سطح فردی کنترل شده‌اند. برای کنترل این ویژگی‌ها در سطح استان نیاز به تحلیل‌های چندسطحی است که می‌تواند به‌عنوان یک پیشنهاد مطالعاتی برای سایر محققان مطرح شود. البته بایستی این نکته را بیان کرد که مطالعات نشان داده است که در شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان، کردستان، ایلام، آذربایجان غربی و کرمانشاه که بیشتر جمعیت بلوچ، گُرد و عرب را در خود جای داده‌اند در رتبه‌های میانی و پایینی قرار دارند (حسینی و اسکندری ۱۳۷۹: ۱۱۸، فیروزآبادی و همکاران ۱۳۸۹: ۸۱، میرغفوری و همکاران ۱۳۸۹، ضرابی و ایزدی ۱۳۹۲: ۱۱۱). لذا می‌توان انتظار داشت که بخشی از این تفاوت‌های قومی به دلیل سطح توسعه پایین‌تر استان‌های با گروه‌های اقلیت قومی باشد. از این نظر بایستی انتظار داشته باشیم که با توسعه بیشتر استان‌های مذکور، رفتارهای اقوام ساکن در آن‌ها به همگرایی با گروه‌های قومی بزرگ‌تر میل کند.

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد یکی از رویکردهایی که می‌تواند تا حدود زیادی تفاوت‌های قومی در رفتارهای ازدواجی را مورد تأیید قرار دهد، فرضیه اثرات هنجاری است. این فرضیه معتقد است که ارزش‌ها و هنجارهای منحصر به فرد قومی نقش اصلی را در تفاوت‌های قومی دارند. نتایج تا حد زیادی با این فرضیه سازگار هستند و علیرغم کنترل ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی افراد، تأثیر قومیت همچنان معنادار است. برای تأیید بیشتر این نظریه پیشنهاد می‌شود تا تحلیل‌های پیشرفته با استفاده از متغیرهای کلان اقتصادی اجتماعی در کنار قومیت مورد بررسی قرار گیرد. همچنین برای اینکه بتوان تغییرات در رفتارهای جمعیتی اقوام را به درستی مورد بررسی قرار داد، نیاز است تا در تمامی پیمایش‌های ملی یا طرح‌های ملی مرکز آمار همچون طرح هزینه و درآمد خانوار که به صورت سالانه اجرا می‌شود، سؤال مربوط به قومیت قرار گیرد. این امر به شناخت بیشتر رفتارهای قومی کمک می‌کند

که خود می‌تواند در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درست به مسئولان کمک کند. تنوع قومی در رفتارهای ازدواجی نشان می‌دهد که رفتارهای سنتی، مدرن و گاهی پست‌مدرن به‌صورت هم‌زمان در جامعه ما دیده می‌شود. هر یک از این رفتارها نیاز به برنامه‌های مختلفی دارند. برای مثال در بخش‌هایی از جامعه ازدواج‌های زودهنگام رواج دارد و در کلان‌شهرها با بروز پدیده‌هایی همچون همباشی روبرو هستیم. از این رو ممکن است لازم باشد تا سیاست‌ها و برنامه‌های جمعیتی به‌صورت منطقه‌ای تدوین و اجرا گردند. دولت باید بر اساس نیازها و مسائل هر منطقه سیاست‌ها و ابزارهای خاص و مناسب آن منطقه را به‌کاربرد. برای این مهم، رصد مستمر تغییرات جمعیتی اقوام ضروری به نظر می‌رسد. همچنین در سیاست‌گذاری‌ها بایستی تغییرات جهانی در الگوهای ازدواج را مدنظر قرارداد. با توجه به روند سریع جهانی‌شدن و دسترسی گسترده جوانان به رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، احتمال بروز رفتارهای غربی در حوزه ازدواج و شکل‌گیری خانواده در آینده نزدیک چندان دور از ذهن نیست. توجه به این موضوعات سبب خواهد شد تا هرگونه پیش‌داوری در این زمینه کاهش یابد و آمادگی تغییرات احتمالی در آینده برای برنامه‌ریزی درست را داشته باشیم. نکته دیگر در این زمینه این است که بسیاری از برنامه‌ها و سیاست‌های حوزه خانواده، تنها بر مسائل و راهکارهای فرهنگی متمرکز بوده است. این درحالی که است که بخش بزرگی از مشکلات امروزی جوانان، اقتصادی است. از آنجاکه میانگین سن ازدواج در بین همه اقوام همچنان حالت افزایشی دارد، نیاز است تا بسیاری از برنامه‌هایی که تاکنون اجرا شده‌اند، مورد بازبینی مجدد قرار گیرند و چنانچه نیاز باشد، بایستی اصلاح گردند.

فهرست منابع

- احمدی، کامیل (۱۳۹۶). بررسی میزان شیوع ازدواج و طلاق کودکان در ایران، تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۲۳: ۱۴۰-۱۲۵.
- برناردز، جان (۱۳۹۷). درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان، تهران، نشر نی.
- بگی، میلاد (۱۳۹۱). بررسی نیاز برآورده‌نشده‌ی تنظیم خانواده و تعیین‌کننده‌های آن در میان زنان ۴۹-۱۵ ساله همسر دار شهر مهاباد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.
- بگی، میلاد و عباسی‌شوازی، محمدجلال (۱۴۰۰). بار مسئولیت بیشتر در سنین سالمندی: مطالعه روند و الگوهای ترتیبات زندگی سالمندان در ایران. برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۳(۴۷): ۱۶۶-۱۳۵.
- بگی، میلاد. (۱۴۰۱). دلایل و تعیین‌کننده‌های تأخیر در ازدواج در ایران. جامعه‌شناسی کاربردی، انتشار آنلاین در ۲۲ ابان ۱۴۰۱، doi: 10.22108/jas.2022.134561.2312
- بهشتی، سید صمد، حقمردی، محمد. (۱۳۹۶). احساس تعلق به ایران در میان اقوام ایرانی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۸(۳): ۴۰-۲۵.
- توده‌فلاح، معصومه؛ کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۹). بررسی تأثیر نوسازی بر سن ازدواج با تأکید بر شاخص‌های جمعیت‌شناسی ازدواج در سطح کشور و ۷ استان منتخب ۱۳۸۵. فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۳(۸): ۱۳۱-۱۰۵.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۹). تفاوت‌های قومی در رفتارهای ازدواج زنان و نگرش آن‌ها نسبت به ازدواج دختران در شهرستان ارومیه، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۹(۹)، ۲۸-۷.
- حسینی، حاتم، میلاد بگی (۱۳۹۱). استقلال زنان و کنش‌های باروری در میان زنان گُرد شهر مهاباد، فصلنامه‌ی زن در توسعه و سیاست، تهران، ۱۰(۴): ۷۸-۵۷.
- حسینی، حاتم، میلاد بگی (۱۳۹۵). بررسی دیدگاه زنان گُرد نسبت به الگوی ازدواج خویشاوندی در مهاباد، فصلنامه‌ی مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان، ۱۴(۱): ۱۸۵-۱۵۵.
- حسینی، حاتم؛ صادقی، رسول؛ رضایی، اردشیر (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج

- دختران در شهرستان‌های ایران، توسعه محلی (روستایی - شهری)، (۱)۱۱: ۱۴۷-۱۷۲.
- حسینی، یعقوب و اسکندری، آتوسا (۱۳۷۹). رتبه‌بندی استان‌های کشور از حیث برخورداری از شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی، مجله برنامه و بودجه، ۴۹(۵۰): ۱۰۱-۱۲۱.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ رفعتی، علی و آرمنند، محمدعلی (۱۳۹۵). بررسی و مقایسه روند تحولات سن ازدواج در بین اقوام مختلف ایرانی در سرشماری‌های ۱۳۹۰-۱۳۵۵، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، ۲(۲): ۵۶-۶۹.
- شفیعی، سمانه؛ عسکری، عباس و زارع، اکبر (۱۳۹۴). مطالعه عوامل تعیین‌کننده همسان‌همسری سنی و تحصیلی زوجین (مطالعه موردی زوجین شهر یزد)، مجله مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۶(۲۰): ۱۳۴-۱۰۹.
- شکوری، علی و شفیعی، زینب (۱۳۹۵). همگون‌گزینی در جامعه ناهمگون: تبیین گرایش عام به همسان‌همسری در بین جوانان ایران، بررسی مسائل اجتماعی ایران ۲(۷): ۱۳۲-۱۰۵.
- صادقی‌زاده، کسری. (۱۳۹۷). الزامات سیاست‌گذاری فرهنگی اقوام؛ راهبردهای برگرفته از اسناد بالادستی و دیدگاه‌های ذینفعان (مطالعه موردی قوم کرد). فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ، ۱۱(۴۲): ۸۷-۱۲۲.
- صادقی، رسول (۱۳۸۳). قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، تهران، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ضرابی، اصغر و ایزدی، ملیحه (۱۳۹۲). تحلیلی بر توسعه منطقه‌ای استان‌های کشور. برنامه ریزی فضایی، ۳(۱): ۱۱۶-۱۰۱.
- ضرابی، وحید و مصطفوی، سید فرخ (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۱۱(۴): ۳۳-۶۴.
- طالب، مهدی و گودرزی، محسن (۱۳۸۲). قومیت نابرابری آموزشی و تحولات جمعیتی، نامه علوم اجتماعی، ۲۱: ۱۴۲-۱۱۳.
- عباسی شوازی، محمدجلال و ترابی، فاطمه (۱۳۸۵). تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۷(۴): ۱۴۶-۱۱۹.
- عباسی شوازی، محمدجلال؛ عسکری ندوشن، عباس (۱۳۸۴). تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران؛ مطالعه موردی استان یزد. نامه‌ی علوم اجتماعی، تهران،

۲۵-۷۶: ۲۵

عباسی‌شوازی، محمد جلال و بگی، میلاد (۱۳۹۹). شکل‌گیری خانوار و ترتیبات زندگی جوانان در ایران: شواهدی از تأخیر در گذار به زندگی مستقل. فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۶(۵۹): ۲۷۴-۲۴۳.

عباسی‌شوازی، محمد جلال و صادقی، رسول (۱۳۸۴). قومیت و الگوهای ازدواج در ایران. زن در توسعه و سیاست، ۱(۳): ۴۷-۲۵

عباسی‌شوازی، محمد جلال و صادقی، رسول (۱۳۸۵). قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران. نامه علوم اجتماعی، ۲۹: ۵۸-۲۹.

عباسی‌شوازی، محمد جلال و ترابی، فاطمه (۱۳۸۶). سطح، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱(۲): ۸۸-۶۱.

عباسی‌شوازی، محمد جلال و خانی، سعید (۱۳۸۹). الگوهای ازدواج، قومیت و مذهب: بررسی موردی زنان ازدواج کرده در شهرستان قروه، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۴(۷): ۶۶-۳۵.

عسکری ندوشن، عباس و ترابی، فاطمه (۱۳۸۹). سطح، روند و الگوی همسان همسری تحصیلی در ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۹: ۵۵-۲۹.

فتحی، الهام؛ نورمحمد، جاویر؛ سرخیل، بهناز؛ زبرجد، سودابه (۱۳۹۶). تغییرات میانگین سن ازدواج در ایران. آمار، ۱۲(۵): ۱۲-۸.

فیروززآبادی، سید احمد؛ حسینی، سید رسول و قاسمی، روح‌الله (۱۳۸۹). مطالعه شاخص‌ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان‌های کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۰(۳۷): ۹۳-۵۷.

کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳). تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن. پژوهش زنان، ۲(۳): ۱۲۴-۱۰۳.

کردزنگنه، جعفر (۱۳۹۰). بررسی و میزان عوامل مؤثر بر ازدواج زودرس در ایران، توسعه اجتماعی، ۶(۱): ۱۸۸-۱۵۷.

کوشی، مجید (۱۳۸۳). تفاوت‌های قومی در ازدواج و همسرگزینی در ایران، نامه پژوهش فرهنگی، ۸(۱۰): ۲۱۸-۱۹۵.

کوهی، کمال (۱۳۹۸). بررسی کودک همسری در کشور با تأکید بر استان آذربایجان شرقی، فصلنامه حقوق کودک، ۱(۳): ۱۵۹-۱۲۹.

محمودیان، حسین (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان. نامه علوم اجتماعی، ۲۴: ۵۳-۲۷.

محمودیان، حسین. (۱۳۸۵). بررسی میزان و عوامل موثر بر تفاوت سنی زوجین. نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، (۱۱)، ۱۲۷-۱۴۰.
مطلبی، مسعود (۱۳۸۷). جغرافیای سیاسی اقوام ایرانی، مجله تاریخ فرهنگ و تمدن، شماره ۷۰.

مهاجرانی، علی اصغر (۱۳۸۹). تحول وضع زناشویی و تغییر الگوی سنی ازدواج در ایران، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، (۱۱)۴: ۴۱-۵۳.

نوری، مهسا و یاراحمدی، علی (۱۳۹۷). بررسی میزان تمایل جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهر شیراز به همسان‌همسری و عوامل مرتبط با آن. مجله مطالعات اجتماعی ایران، (۲)۱۲: ۱۳۶-۱۵۴.

هزارجریبی، جعفر و مروتی، نادر (۱۳۸۸). تأثیر نابرابری قومی بر امنیت ملی. فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، (۴)۱: ۹۱-۱۱۷.

Abbasi Shavazi, M. J., & Askari Nadoushan, A. (2005). Family changes and fertility decline in Iran, a case study of Yazd province, *Journal of Social science letter*, 25: 25-76. [in Persian]

Abbasi Shavazi, M. J., & Khani, S. (2009). Marriage patterns, ethnicity and religion: case study of married women in Ghorveh district. *Journal of population association of Iran*, 4(7), 35-66. [in Persian]

Abbasi Shavazi, M. J., & Sadeghi, R. (2005). Ethnicity and marriage patterns in Iran. *Woman in development and politics (women's research)*, 3(1), 25-47. [in Persian]

Abbasi Shavazi, M. J., & Sadeghi, R. (2006). ethnicity and fertility: an analysis of fertility behavior of ethnic groups in Iran. *Journal of Social science letter*, (29), 29-58. [in Persian]

Abbasi Shavazi, M. J., & Torabi, F. (2006). Intergenerational differences in consanguineous marriage in Iran, *Iranian Journal of Sociology*, 7(4), 119-146. [in Persian]

Abbasi Shavazi, M. J., & Torabi, F. (2007). level, trend, and pattern of consanguineous marriage in Iran. *Journal of population association of Iran*, 1(2), 61-88. [in Persian]

Abbasi-Shavazi, M. J., & McDonald, P. (2008). *Family change in Iran: Religion, revolution, and the state*. International family change: Ideational perspectives, 177-198.

Abbasi-Shavazi, M. J., Bagi, M. (2020). Household formation and living arrangements of the youth in Iran: Evidence of delay in the transition to independent living. *Quarterly of Cultural Studies & Communication*, 16(59), 243-274. [in Persian]

Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P., & Hosseini-Chavoshi, M. (2008). Modernization or cultural maintenance: the practice of consanguineous

- marriage in Iran. *Journal of biosocial science*, 40(6), 911-933.
- Ahmadi, K. (2007). Prevalence of child marriage and divorce in Iran, *Human Sciences Research Journal*, 23: 125-140 [in Persian]
- Arnaldo, C. (2004). Ethnicity and marriage patterns in Mozambique. *African Population Studies* 19(1): 143-164.
- Askari-Nadoushan, A., Torabi, F. (2010). level, trend and pattern of educational homogamy in Iran. *Journal of population association of Iran*, 5(9), 29-55. [in Persian]
- Bagi, M. (2002). *Study of Unmet Need for Family Planning and Its Determinants among Married Women 15-49 Aged in Mahabad City*, Thesis submitted for Master of Art Degree, Social Science, Bu-Ali Sina University. [in Persian]
- Bagi, M. (2022). Reasons and determinants of delayed marriage in Iran. *Journal of Applied Sociology*. Online published in 2022, doi: 10.22108/jas.2022.134561.2312 [in Persian]
- Bagi, M., Abbasi-Shavazi, M. J. (2021). More responsibilities at the older ages: the study of trends and patterns of elderly living arrangements in Iran. *Social Development & Welfare Planning*, (forthcoming), Doi: 10.22054/qjsd.2021.52456.1991. [in Persian]
- Beheshti, S., Haghmoradi, M. (2017). Sense of Belonging to Iran among Ethnic Groups. *Journal of Applied Sociology*, 28(3), 25-40. [in Persian]
- Bernardes, J. (2017). *Family studios: an introduction*, translated to Persian by Hossein Ghazecian, Tehran, Ney publication. [in Persian]
- Booth, H. (2010). Ethnic differentials in the timing of family formation: A case study of the complex interaction between ethnicity, socioeconomic level, and marriage market pressure. *Demographic research*, 23, 153-190.
- Chamie, J. (1981). *Religion and Fertility: Arab Christian-Muslim Differentials*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Cheung, P., Cabigon, J., Chamrathirong, A., McDonald, P.F., Syed, S., Cherlin, A., and Smith, P.C. (1985). *Cultural variations in the transition to marriage in four Asian societies*. International Population Conference, Florence 1985 Volume 3. Liège: International Union for the Scientific Study of Population: 293-308.
- Fathi, E., Noor Mohammad, J., Sarkhil, B., Zebarjad, S. (2007). Changes in mean age at marriage in Iran, *Statistics*, 5(2): 8-12. [in Persian]
- Firouzabadi S, Hosseini S, Ghasemi R. (2010). The rank of provinces social development and its relation to social capital. *Social welfare quarterly*. 2010; 10 (37) :57-93. [in Persian]
- Furtado, D., & Theodoropoulos, N. (2011). Interethnic marriage: A choice between ethnic and educational similarities. *Journal of Population Economics*, 24(4), 1257-1279.
- Givens, B. P., & Hirschman, C. (1994). Modernization and consanguineous marriage in Iran. *Journal of Marriage and the Family*, 820-834.
- Goebel, Z. (2010). *Language, migration, and identity: Neighborhood talk*

- in Indonesia*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Goebel, Z. (2015). *Language and superdiversity: Indonesians knowledging at home and abroad*. Oxford: Oxford University Press.
- Goldscheider, C. (1971). *Population, Modernization and Social Structure*. Boston: Little, Brown and Company.
- Hezar Jeribi, J., Morovati, N. (2009). The Impact of Ethnic Inequality on National Security. *Political and international scientific and research quarterly*, 1(4), 91-117. [in Persian]
- Hosini, Y., Eskandari, A. (2000). Ranking of the provinces of the country in terms of having socio-economic indicators, *The Journal of Planning and Budgeting*, 5(1-2): 101-121. [in Persian]
- Hosseini, H., & Bagi, M. (2013). Women's Autonomy and Fertility Ideals Among Kurdish Women in the City of Mahabad. *Woman in Development & Politics*, 10(4), 57-78. [in Persian]
- Hosseini, H., Bagi, M. (2016). A Study on Kurdish Women's Point of View toward Pattern of Consanguineous Marriage in Mahabad. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 14(1), 155-185. [in Persian]
- Hosseini, H., Sadeghi, R., & Rezaei, A. (2019). Determinants of Delay Marriage among Girls in Iran. *Journal of community development (Rural and Urban Communities)*, 11(1): 147-172. [in Persian]
- Hosseini, H. (2000). Ethnic differences in women's marriage behavior and their attitude towards girls' marriage in Uormia city, *Journal of population association of Iran*, 5(9), 7-28. [in Persian]
- Jian, Z. (2017). The recent trend of ethnic intermarriage in China: an analysis based on the census data. *The Journal of Chinese Sociology*, 4(1), 1-23.
- Kazempour, Sh. (2004). Changes in women's age at marriage in Iran. *Woman in development and politics (women's research)*, 2(3), 103-124. [in Persian]
- Knodel, J., Gray, R.S., Sriwatcharin, P., and Peracca, S. (1999). Religion and reproduction: Muslims in Buddhist Thailand. *Population Studies*, 53(2): 149-164.
- Koohi, K. (2020). A Survey of Child Marriage in the Country with Emphasis on East Azarbaijan Province, *Child Rights Journal*, 1(3):127-159. [in Persian]
- Kord Zanganeh, J (2011). Determinants of early marriage in Iran. *Quarterly journal of social development*, 6(1), 157-188. [in Persian]
- Kosheshi, M (2004). Ethnic differences in marriage in Iran, *culture and communication studies*, 8(10),195-218. [in Persian]
- Landale, N. S., & Tolnay, S. E. (1993). Generation, ethnicity, and marriage: Historical patterns in the Northern United States. *Demography*, 30(1), 103-126.
- Lesthaeghe, R., Kaufmann, G., and Meekers, D. (1989). *The nuptiality regimes in sub-Saharan Africa*. In: Lesthaeghe, R. (ed.). *Reproduction and Social Organization in Sub-Saharan Africa*. Berkeley: University

- of California Press: 238-337.
- Mahmoudian, H. (2004). The increasing age of marriage: an examination of supporting factors, *Sociological Review*, 4(24): 277-54. [in Persian]
- Mahmoudian, H. (2006). A study of the level and factors affecting the age differences between spouses. *Journal of population association of Iran*, 1(1), 127-140. [in Persian]
- Matlabi, M. (2016). The political geography of Iranian ethnics. *The history of culture and civilization*, 70. [in Persian]
- Mobolaji, J. W., Fatusi, A. O., & Adedini, S. A. (2020). Ethnicity, religious affiliation and girl-child marriage: a cross-sectional study of nationally representative sample of female adolescents in Nigeria. *BMC public health*, 20(1), 1-10.
- Mohajerani, A. (2011). Evolution of marriage age and its pattern in IRAN, *Journal of Social Sciences*, 4(11): 41-53. [in Persian]
- Mpilambo, J. E., Appunni, S. S., Kanayo, O., & Stiegler, N. (2017). Determinants of early marriage among young women in Democratic Republic of Congo. *Journal of Social Sciences*, 52(1-3), 82-91.
- Noori, M., Ahmadi, A. (2018). Investigating the Attitude towards Marital Compatibility among Youth of Shiraz. *Journal of Iranian Social Studies*, 12(2), 136-154. [in Persian]
- Raley RK, Sweeney MM, Wondra D. (2015). The Growing Racial and Ethnic Divide in U.S. Marriage Patterns. *Future Child*, 25(2): 89-109.
- Raley, R. K., Sweeney, M. M., & Wondra, D. (2015). *The growing racial and ethnic divide in US marriage patterns*. The Future of Children/Center for the Future of Children, the David and Lucile Packard Foundation, 25(2), 89.
- Saadat, M., Ansari-Lari, M., & Farhud, D. D. (2004). Short report consanguineous marriage in Iran. *Annals of human biology*, 31(2), 263-269.
- Sadeghi, R. (2004). *Ethnicity and fertility: Analysis of fertility behaviors of ethnic groups in Iran*, Master thesis in demography, social science faculty, University of Tehran. [in Persian]
- Sadeqizadeh, K. (2018). Imperatives of Cultural Policymaking for Ethnic Communities; A Strategy Based on Master Documents and Viewpoints of Shareholders (A Case Study of Kurdish Community). *Strategy for Culture*, 11(42), 87-122. [in Persian]
- Sellier, J., LeFur, A., LeBrun, B. (2008). *Atlas des peuples d'Asie (chapter Iran)*, La Decouverte publ., Paris, ISBN: 978-2-7071-5425-5.
- Shafiei, S., Askari, A., Zare, A., (2016). A Study of the Determinant Factors of Education and Age Equality in Marriage (Case Study Yazdian Couples), *Sociological Studies of Youth Journal*, 6(20), 109-134. [in Persian]
- Shakouri, A., Shafiei, Z. (2016). Homogeneity in heterogenized society: explanning a genral tendency towards homogamy among the Iranian youth. *Journal of Social Problems of Iran*, 7(2), 105-132. [in Persian]
- Smith-Hefner, N. J. (2005). The new Muslim romance: changing patterns

- of courtship and marriage among educated Javanese youth. *Journal of Southeast Asian Studies*, 36(3), 441-459.
- Taleb, M., & Goudarzi, M. (2003). Ethnicity, educational disparities and demographic shifts in sistan-baluchestan. *Journal of Social science letter*, 21: 113-142. [in Persian]
- Toodefallah, M., & Kazemipoor, S. (2010). A study on the effect of modernization on marriage age with emphasis on demographic indices of marriage event in whole country and 7 selected provinces in 2006. *Social Research*, 3(8), 105-130. [in Persian]
- Tremayne, S. (2006). Modernity and Early Marriage in Iran: A View from Within, *Journal of Middle East Woman's Studies*, 2(1): 65-94.
- Utomo, A. J. (2020). Love in the melting pot: Ethnic intermarriage in Jakarta. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 46(14), 2896-2913.
- Utomo, A., & McDonald, P. (2016). Who marries whom? Ethnicity and marriage pairing patterns in Indonesia. *Asian Population Studies*, 12(1), 28-49.
- Utomo, A., Utomo, I., Reimondos, A., McDonald, P., & Hull, T. (2013). *Transition into marriage in Greater Jakarta: Courtship, Parental Influence and Self-Choice Marriage*. Paper presented at XXVII IUSSP International Population Conference, Busan, Republic of Korea, 26 to 31 August 2013.
- Watkins, S.C. (1986). *Regional patterns of nuptiality in Western Europe*. In Coale, A.J. and Watkins, S.C. (eds.) *The Decline of Fertility in Europe: The Revised Proceedings of a Conference on the Princeton European Fertility Project*. Princeton, NJ: Princeton University Press: 314-336.
- Zarabi, A., Ezadi, M. (2013). Analysis of Iranian provinces development. *Spatial Planning*, 3(1), 101-116. [in Persian]
- Zare Sahabadi, A., Rafati, A., Armand, M. (2016). The study and comparison of age of marriage trend between Iranian ethnic groups in census 1971-2016. *UCT Journals*, 2(2), 56-69. [in Persian]
- Zarrabi, V., Mostafavi, S. F. (2012). Effect of Socioeconomic Factors on Women's Age at Marriage in Iran. *Journal of economic researches*. 11 (4) :33-64 [in Persian]



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی